

An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

UNITED JEWISH FUND



چشم انداز

CHASHM ANDAAZ ®

No. 108 March 2004 ۵۷۶۴ شماره ۱۰۸ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴ آدار و نیسان

بهاء ۳ دلار

با همیاری و همکاری پُر لطف و مهرآمیز شما عزیزان

سازمان سیامک

تنظیم: لیلی کاهن

در ایام اخیر این خدمات را به جامعه انجام داده است

* خانواده‌ای احتیاج به پزشک داشتند. آقای دکتر بنجامین دردشتی با محبت فراوان آنها را ویزیت کردند و داروی رایگان در اختیار این خانواده قرار گرفت.

* خانمی احتیاج به پزشک داشتند که دکتر دانشگر این خانم را به طور رایگان ویزیت کردند و سازمان سیامک داروهای این خانم را از داروخانه خریداری کرد.

* دختر خانمی که هم اطاقی یک خانم پیر بودند از آن خانه بیرون آمد و فعلاً در ماشین خودش زندگی می‌کند و آن ماشین را هم سازمان سیامک در اختیار این دختر جوان گذاشته است و احتیاج به تعمیر داشت که سازمان با هزینه خودش این ماشین را تعمیر کرد و فعلاً این دختر جوان احتیاج به یک اطاق و یک خانواده دارد که هم اطاق بشود.

* خانمی که در یک بیمارستان است و چون کاشر هستند سازمان سیامک بودجه‌ای را در اختیار فرج مارکت (فرج‌الله) (F&Y) گذاشته شد که هر روز غذای کاشر در اختیار این خانم در بیمارستان گذاشته شود و همین طور لباس و غذا و پوشک در اختیار این بچه‌ها قرار گرفت.

باگروهی از یاران جامعه آشنا شویم

دکتر پرویز لاهیجی - The Men's Wearhouse Extar Co. - مینا و جاوید الیست - رزیتا ابرامی - راشل کشفیان - Y. Assil - نورالله و شهین نعمانیم - سیمون هلهلویا - فرشاد صمدی - دکتر ناصر شکیب - الکس توفر - Ray Koroghly - عزیزالله مشکانیان - یولاندا ارادت - استر نعیم - شهناز فرهمندیان - United National Mortgage - فرد مهجوبی - فرید و مرجان یوسف میر - بهرام الیش مرنی - مجید آبائی - فروشگاه گلدن سیتی.

از همیاریتان متشکریم

یکبار دیگر از اینکه سازمانهای دیگر جامعه از جمله خانم شادی توماری (سازمان تورت حییم) و سازمان امید نیازمندان خانمها گیتی بروخیم و مهین الیاسیان دست یاری به سوی ما دراز کردند و زندگی دو خانواده نیازمند و فرزندان آنها را از سقوط هر چه بیشتر نجات دادند کمال تشکر را داریم. همکاری این سازمانها با سازمان سیامک سبب کمکهای هر چه بیشتر و بهتر بوده است و به این جهت این پیوند همکاری را بی نهایت گرامی می‌داریم.

منیژه یومطوبیان - منیژه یوابیان

تسلیت

خانواده طاهور و کاهن کاشانی فوت نابهنگام سارا کاهن کاشانی را به شما و خانواده عزیزان تسلیت گفته بقای عمر شما عزیزان را از خداوند متعال خواستاریم.

سازمان سیامک

گزارش‌های CIA ایران همچنین دارای مقادیر انبوهی از اسلحه‌های شیمیایی و موادی چون سولفور ماستارد و مواد آغشته به سیانور بوده و توانایی تولید هزاران تن از این مواد و مواد بیولوژیکی خانگی را در عرض سال دارد.

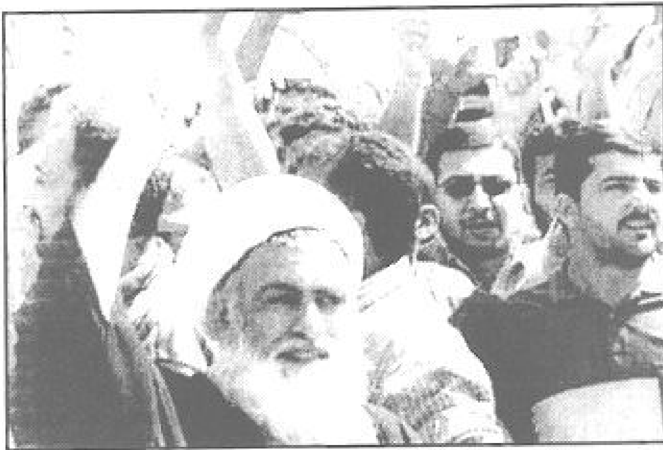
برای تکامل نیروی نظامی و مقابله با کیفیت پائین سلاح‌های ساخت داخل کشور، حکومت جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم ناموفق آمریکا روی به کشورهای اروپائی، کره شمالی، چین، روسیه و هند آورده و انبارهای خود را با اسلحه‌های ساخت این کشورها پر می‌نماید. با آن که دسترسی به رقم دقیق امکان پذیر نیست اما به صورت تخمینی مقدار پولی که دولت تنها بین سال‌های ۹۵ تا ۱۹۹۹ برای خرید اسلحه جنگی پرداخت نموده رقمی در حدود ۲ بیلیون دلار و بین سال‌های ۹۹ تا ۲۰۰۲ نیز ۷۰۰ میلیون دلار بوده است. به طوری که رقم ۳۰۰ میلیون دلار معامله با کشور روسیه، تنها ۱۰ درصد مقدار خرید کشور ایران را شامل میگردد.

از سوی دیگر حکومت جمهوری اسلامی از بدو تأسیس خود، سیاست امپریالیستی عقیدتی را در پیش گرفته است. این حکومت و بانی آن برای پیشبرد عقاید افراطی اسلامی و دید منحصر بفرد و نژاد پرستانه خود از جهان و جهانیان، هیچ گونه مرز و حدودی را نمی‌شناسند.

همکاری تنگاتنگ ایران با سوریه و حمایت بی دریغ مالی و تعلیماتی از حزب‌الله در جنوب لبنان حاکی از آشکارترین عملکرد حکومت در این راستا و در صحنه بین‌المللی است. با این همه حزب‌الله و عملیات آن در منطقه، نوک کوه یخ عظیمی است که قابل رؤیت است. حکومت ایران با حمایت از گروه‌های تروریستی، توسط در اختیار گزاردن اردوگاه‌های تعلیماتی در ایران، تشکیل کنفرانس‌های بین این گروه‌ها و پناه دادن سران و کمک‌های مالی و تسلیحاتی به آنان، مدام سعی در سرنگونی رژیمهای کشورهای مختلف اسلامی می‌نماید. از گروه‌هایی که از حمایت ایران برخوردارند می‌توان از حرب‌الله در کشور سودان و جهاد اسلامی در پاکستان نام برد. حمایت‌های لجستیکی به مخالفین حکومت (جنبش افراط‌گرای AL-NAHDA) تونس - عربستان سعودی، بحرین، مصر و جبهه‌ی نجات اسلامی در الجزیره که از طریق سودان انجام می‌گیرد نیز باید به این کارنامه دولتی اضافه نمود.

بر اساس گزارش ۲۰۰۲ وزارت امور خارجه آمریکا، حتی در آسیای مرکزی، افغانستان و عراق نیز دست در عملیات تروریستی دارد.

برای جلوگیری از روند صلح در خاورمیانه و در برابر اسرائیل، حمایت کشور ایران از چریک‌های فلسطینی گسترده و بی امان بوده و شامل تمام گروه‌های چریکی منطقه می‌شود.



ایران با پرداخت پول فلسطینی‌ها را حتی برای عملیات انتحاری در درون کشور اسرائیل ترغیب می‌نماید.

خارج از خاورمیانه و کشورهای اسلامی، باید به نقش حکومت ایران در انفجار ساختمان مرکزی یهودیان آرژانتین در ۱۸ جولای ۹۴ که طی آن ۱۰۰ نفر کشته شدند، اشاره نمود. هر دو کشور اسرائیل و آمریکا حکومت ایران را برای انفجار بمب در هواپیمای پانامایی و دو انفجار در لندن که در عرض یک هفته ۲۷-۱۸ جولای صورت گرفت، مقصر شناخته‌اند.

دولت ایران نه تنها با ایجاد ترور و کشتار مخالفین ایرانی خود در سراسر جهان سعی در متواری و خنثی نمودن آنان نموده، در سال ۱۹۹۳ نیز با همکاری گروهی که در ایران تعلیم دیده بودند با انفجار بمبی که در یک ماشین کار گذاشته شده بود، Ugur Mumcu که یک روزنامه نگار پیشرو ترکیه بود را به دیار نیستی فرستاد.

برای درک موقعیت فعلی و آینده استراتژیکی ایران در ژئوپالیتیک منطقه نمی‌توان از این حقایق صرفنظر کرد. تولید نفت ایران ۳/۸ میلیون بشکه نفت در روز است که این رقم تا سال ۲۰۲۵ به ۴/۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. منطقه خلیج نیز از تولید فعلی ۱۴/۸ میلیون بشکه در روز که ۶۰ درصد مصرف جهانی است، به ۳۵/۸ میلیون بشکه در روز که حدود ۱۴۰ درصد افزایش معنی می‌دهد، صعود خواهد کرد. آزادی عبور و مرور و تولید و توزیع بی وقفه این شریان حیاتی اقتصادی، عامل مهمی برای پیش‌بینی‌ها، انتظارات و عملکرد اقتصادی جهان است. این جهان با ارتباط فزاینده هر روزه اعضاء خود با یکدیگر، دائماً در حال کوچک‌تر و نزدیک شدن به هم می‌باشد. نظام نوین جهانی که بر مبنا و با تکیه بر این اقتصاد جهانی تأسیس شده و پا بر جا خواهد ماند، نمی‌تواند ریسک وقفه‌ای در عبور روزانه ۱۳/۶ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز برای آسیا (مخصوصاً چین - ژاپن - هند) و بقیه

قابل اجرا است. باور امکان دست زدن به عملی از فرط یأس در آخرین روزهای حکومت رژیم‌های دیکتاتوری، باوری تئوریک نیست و نمی‌تواند باشد. آیت‌الله رفسنجانی به وضوح و آشکارا از «بمب اسلامی» اتمی‌ای صحبت می‌کند که می‌تواند اسرائیل را به کلّ نابود کند. بمبی کاملاً ایدئولوژیک و اسلامی که در اصل بر علیه کفار باید به کار رود.

در این جلسه، پرفسور باخاش در جواب اعتراض به عقاید خود توسط اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان حاضر در جلسه، آنها را با تبعیدهای کشور کوبا که در فلوریدا بسر می‌برند مقایسه نمود. وی اظهار داشت که تنها راه فعلی و عملی در شرایط موجود، باز کردن راه مذاکره با افراطیون مذهبی در ایران است. وی عقیده داشت که تحریم سالیان دراز آمریکا بر علیه کوبا و عدم حمایت کوبائی‌های تبعیدی از برقراری مراوده فرهنگی و تجارتی حاصلی نداشته و سرنوشت ایرانیان خارج از کشور نیز در صورت حمایت از چنین برنامه‌هایی، سرنوشت کوبائی‌های آمریکاست.

ایشان با تکیه بر اینکه زنان ایرانی، حجاب کامل را رعایت نمی‌کنند و دولت نیز در این مورد کوتاه آمده و ریفورم‌های کم و بیش دیگری در امور اجتماعی داخل ایران به وقوع پیوسته، خوشبین بودند که با کمی نزدیکی می‌توان شرایط بهتری را در داخل ایران برای ایرانیان بوجود آورد و سیاست‌های خارجی دولت را محدودتر نمود. از حزب‌الله، حزبی سیاسی ساخت، تولید اسلحه‌های کشتار دسته جمعی و همگانی را تعطیل نمود و حمایت دولت را برای دخالت نکردن و اخلال ننمودن در روند صلح خاورمیانه گرفت.

با آنکه قوه مخالفین دولت در خارج از ایران، قوهٔ قابل تکیه‌ای نیست، اغتشاش فکری موجود و همراهی لازمه بین گروه‌ها وجود ندارد. خط مشی ثابت و وطن پرستانه‌ای موج نمی‌زند. خودبینی است و آینده وطن بینی نیست. کمتر عقل است و بیشتر احساس، ولی در عوض ایران هم کوبا نیست. این مقایسه نه عادلانه و نه واقع بینانه است.

علاوه بر آنکه نیروی نظامی نیم میلیون سرباز ایرانی با نیروی نظامی کوبا قابل مقایسه نمی‌باشد، خطراتی که ایران در منطقه با توجه به قدرت نظامی و اقتصادی و سوق‌الجیشی می‌تواند باعث شود نیز با خطرات ناشی و احتمالی از طریق کوبا قابل مقایسه نیست. نمی‌توان چشم را بر خطرات کوتاه و بلند مدت این حکومت بست. خطرات نظامی - خطرات متزلزل کردن نظام‌های منطقه بدون عاقبت اندیشی و دخالت مستقیم و غیر مستقیم در تروریسم بین‌المللی، تقریباً از ایران غول بی مانندی ساخته است.

با این همه می‌بینیم با آنکه بگفته مشاور امور خاورمیانه



کابینه پیشین آمریکا در آن جلسه، این ایران بود نه عراق که به وضوح و آشکارا از تروریسم بین‌الملل حمایت می‌کرد و نه صدام. ایران بود نه عراق که به وضوح دست به تهیه و تولید سلاح‌های مرگ بار بیولوژیکی و هسته‌ای می‌زند در صورتی که در مورد صدام تا به حال این مورد ثابت نشده است. نقش مخّل کننده ایران در روند صلح خاورمیانه بارزتر و ثابت شده‌تر از حکومت صدام بوده است. با این همه به عنوان جایزه به ایران، مجاهدین خلق را خلع سلاح و در قفس می‌بینیم. چشم بر عملیات تروریستی این حکومت پوشیده می‌ماند. اروپا چشم خود را از سوء قصدهای سیاسی ایران بر علیه مخالفان در اروپا می‌پوشاند. و از دیدن خفقان سیاسی و مطبوعاتی، شکنجه‌ها، سنگسار کردن‌ها درازای روابط اقتصادی ایران با جهان که به صورتی بی وقفه ادامه دارد سر باز می‌زند.

صورت بزک کرده رژیم ایران و یا نقاب محمد خاتمی نیز نتوانسته است اقداماتی بنیادی و حتی قول آینده آن را به ملت ایران بدهد. تعداد کشتارها - ترورهای داخلی و خارجی - میزان تعداد معتادین و تعطیل روزنامه‌ها، افراد در زندان در دوران تصدی این عروسک بی اختیار دولتی به مراتب بیش از

مانده حکومتی و جنبه بد دین آلوده بوده و آلوده‌تر هم شده. اما به این همه، دلیل زیربنایی‌ای هم باید اضافه شود که بلای مزمن دیکتاتوری و نحوه حکومت حاصله از این فرهنگ را از سر این ملت و مملکت دور نمی‌کند. فرهنگی که رمانتیک‌ها و ایده‌آلیست‌هایش سرنوشت کلنل محمد تقی خان پسیان‌ها و مصدق‌ها و امیرکبیرها را دارند - فرهنگی که بیشتر مردمش اعتقاد دارند «دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما باز هم می‌خوریم بگذار دیگران بکارند». فرهنگی که در آن بلای خانمانسوز تملق و حسادت بیداد می‌کند. کمبود صبر و حوصله برای باروری و دیدن نتیجه کار وجود ندارد. آینده‌نگری نیست. دیگران و غیر خودی را و افکار غیر خود را چنان نمی‌تواند تحمل کند که به صورت جوک - رشتی - ترک - عرب - لر و یهودی و ارمنی و دهاتی هم وطن را مسخره می‌کند آن چنان که انگار دچار غیر قابل علاج‌ترین بیماری «اتنوسانتریسم» شده‌ایم. از اینجاست که ترور می‌کنند تا برده بپرورند و برده می‌شوند و عمر ترور را طولانی‌تر می‌کنند. اینجاست که وقتی پیراهن خون آلود در دست دانشجوی ایرانی شرکت کننده در تظاهرات را می‌بینیم، یاد دانشجویانی که سند جاسوسی سفارت آمریکا را در دست داشتند می‌افتیم و از ترس به خود می‌لرزیم.

بنابراین و به نظر من نباید پرسید چکار باید کرد بلکه پرسید چه کار می‌توان کرد.

شک و شبهه‌ای در این نیست که صورت و کاربرد حکومت فعلی ایران، نه تنها دیگر در معادلات سیاسی مفید و کارساز نیست بلکه معادلات جهانی امروز بر تعدیل این حکومت و محدودیت فعالیت‌های خارج از مرز آن حساب می‌کند.

دولت ایران قله آتش فشانی است که هر آن امکان فوران آتش از آن می‌رود علیرغم شعارهایی که دولت می‌دهد، به خوبی می‌داند که این خط مشی عمر محدودی دارد و به شدت ترسیده است. در کنار پاکستان و هندی که مجهز به سلاح اتمی‌اند قرار دارد. میزان خرید اسلحه کشورهای حوزه خلیج فارس (به یمن وجود دولت خطرناکی چون ایران) از سال ۹۵ تا به حال ۳۰ برابر میزان خرید ایران بوده است. اسلحه‌های خریداری شده توسط ایران از کشورهایی چون روسیه از کیفیت بالایی برخوردار نیست و سرویس‌های بعدی خوبی ندارد. مازاد بر آن، فشار هر روزه آمریکا بر دولت روسیه و حتی دیگران، عاقبت تجارت با این کشورها را غیر قابل اتکاء می‌کند. ایران از همه طرف در محاصره ارتش آمریکا قرار دارد.

دولت ایران در عوض با اتکاء بر اینکه آمریکا نمی‌تواند ایران را به کلی از معادلات منطقه حذف کند و درگیر جنگ عراقی است که هنوز خاتمه نیافته است، خوش بین است که هنوز می‌تواند با آمریکا معامله کند. دولت ایران با خرید از بازارهای جهانی و حاتم بخشی در قراردادهای سخاوتمندانه امیدوار است که از نارضائی‌های کشورهای اروپائی در مورد مسئله عراق و حسادت دیگر کشورها از ابر قدرت بودن آمریکا، جبهه‌ای در برابر تحریم اقتصادی و وجهه‌ای جهانی برای خود دست و پا کند. از طرف دیگر افراطیون مذهبی سیاسی ایران مطمئن‌اند که کشور آمریکا نمی‌تواند دست به جنگ مستقیمی با ایران (چون افغانستان و عراق) بزند و یا انتظار سرنوشتی چون هائیتی را داشته باشد. چرا که این عمل باعث احساسات ناسیونالیستی و حتی منجر به اعمال تروریستی‌ای می‌شود که دولت آمریکا در حال حاضر نمی‌خواهد آن را بر تعداد دردسرهای خود بیافزاید.

پس برای از میان برداشتن عاملی چون حکومت افراطی ایران، از صحنه سیاسی جهان، که بسیار لازم است، بایستی عملی حسابگرانه و بر مبنای پیش‌بینی دقیق عاقبت کار، در نظر گرفته شود. نیروهای مخالف رژیم خارج از کشور دارای قوه قابل اتکایی برای این کار نیستند. ایجاد دموکراسی در کشوری با سابقه تاریخی و فرهنگی و ساختار اجتماعی‌ای که فاقد شرایط لازم برای ایجاد چنین تحولی تاریخی باشد، وجود ندارد. دولت آمریکا با تکیه بر علاقه اکثریت شهرنشینان و خصوصاً جوانان می‌تواند دست به تحولی تدریجی برای ایجاد نقطه نیمه دموکراسی دیگری در منطقه شود و بر مبنای آن، این نحوه حکومتی را برای آینده تقویت کند. دو قوه دیگر که می‌توانند در این راه با این اقدام همراهی نمایند زنان داخل و خارج و جمعیت ایرانی چند میلیونی خارج از آمریکا می‌باشند. در این راه با استفاده و حمایت از جنبش‌های دانشجویی و تظاهرات همگانی داخل کشور، به طور نیمه آشکار حتی، شرایطی را برای روی کار آمدن نیروی داخلی‌ای که وجهه مورد قبول‌تری برای ایرانیان و جهانیان داشته باشد بوجود آورد. این نیرو به عنوان کاتالیزوری می‌تواند نقش جابجایی این افراط گرایی را با حکومتی تقریباً دموکراسی‌تر در آینده بازی کند.

این استراتژی باعث خواهد شد که از انفجار ناگهانی عملی دیوانه‌وار توسط حکومت بکاهد، دولت را درگیر مسائل داخلی نماید. از این راه مردمی که آمریکا را در کنار خود ببینند در آینده دوستان بهتری برای این کشور خواهند شد. آمریکا وقت پیدا خواهد نمود که اوّل دشمنان خود را در افغانستان و عراق و گروه تروریستی القاعده را کاملاً سرکوب نموده و نمونه دولت دلخواهی را که قرار است مهره مفیدی در نظام نوین جهانی باشد در خاورمیانه به تماشا بگذارد. تجربه دخالت یکباره و بی همراهی دوستان اروپائی در عراق را برای آنان تکرار ننموده و از ترس‌های اقتصادی آنان در این مورد بکاهد. می‌بینیم که خوشبختانه این روزها اروپا نیز تا حدود زیادی در مورد صورت کلی و شکل آینده دموکراسی در خاورمیانه و اثرات مثبت آن در اقتصاد جهانی، به نظرات آمریکا نزدیک‌تر شده است. □

شالم اول مارچ ۲۰۰۴

۹ - چرا؟

چون جوانان ستون استوار یهودیت در آینده می‌باشند و مسئول هستند. سالمندان هر چه زودتر باید صندلی‌ها را به نفع آنها ترک گویند.

۱۰ - آیا باید بقیه سازمانهای شهر نیز با هم یکی شوند؟

معتقدم که سازمانهایی که اهدافشان یکی است برای جلوگیری از مخارج بیهوده و دو دستگی و نفاق با هم کار کنند. نتیجه بهتری عاید ملت خواهد شد.

۱۱ - چه مشکلاتی را بر سر راه خود می‌بینید و چگونه به آنها پیروز خواهید شد؟

هیچگونه مشکلی را نمی‌بینم. باید آینده‌نگر بود. مسایل را برنامه ریزی کرد. قدم به قدم جلو رفت و با صبر و حوصله و بردباری و مخصوصاً امید و نهراسیدن از گفتهٔ دیگران کار خود را دنبال کرد. مشکلی نیست که آسان نشود.

۱۲ - ۱۰ سال پس از امروز جامعه و یا تاریخ در این مورد چه خواهد گفت؟

پس از ۱۰ سال جامعه همان تشویق و ترغیب نخستین را خواهند کرد که امروز از خدمتگذاران می‌نمایند.

۱۳ - تفاوت کار شما با دیگر فعالیتهای ۲۵ سال گذشته در چیست؟

اگر منظور شما این است که تفاوت کار ما با سایر سازمانها چیست میگویم هیچ. هر سازمانی برای خدمت به جامعه گوشه‌ای از کار را گرفته. ما به تمام سازمان‌ها و افراد خدمتگذار و خیّر احترام می‌گذاریم.

۱۴ - چه چیز دیگری می‌خواهید بگویید؟

در دین یهود ۶۱۳ فرمان وجود دارد که به عقیده و برداشت بنده تجزیه ۱۰ احکام می‌باشد و اگر ۶۱۳ فرمان را ترکیب نماییم همان ۱۰ احکام می‌شود. تمام آن امر و نهی واجب است ولی بسیار مشکل بلکه غیر ممکن است که می‌توان تمام آن را انجام داد. ولی با انجام یک امر میشود تمام را انجام داد. این برداشت شخصی من است عبادت به جز خدمت خلق نیست. همنوعت را مثل خودت دوست بدار. می بخور، منبر بسوزان، مردم آزاری مکن

با تشکر از مجلهٔ وزین چشم‌انداز - شالم

- با تشکر از شما.

زیرا آنها آینده و آینده ساز جامعه ما هستند و ما با آنچه در قدرت داریم برای بهتر کردن این آینده بایستی سرمایه گذاری کنیم.

۱۰ - آیا باید بقیه سازمانهای شهر نیز با هم یکی شوند؟

حتماً، تا آنجائی که امکان دارد، اگر اهداف و مرامنامه‌ها با هم شبیه هستند، چرا که نه؟ خیلی سهل‌تر و آسان‌تر خواهند توانست که به اهدافشان برای جامعه برسند.

۱۱ - چه مشکلاتی را بر سر راه خود می بینید و چگونه به آنها پیروز خواهید شد؟

با همت، استقامت، استواری، همکاری و حسن نیستی که وجود دارد هر مشکلی قابل حل است. تا زمانی که ما جوابگوی خواسته‌های درست و بجای جامعه باشیم و با جامعه با صداقت و احترام برخورد کنیم، جامعه از ما پشتیبانی کرده و در حلّ هر گونه مشکلی با ما همراه خواهد بود.

۱۲ - ۱۰ سال پس از امروز جامعه و یا تاریخ در این مورد چه خواهد گفت؟

که این حرکت ما حرکتی تاریخی بوده، و مسیر جامعه را از در جا زدن، و در گذشته زندگی کردن، تغییر داده و به سوی جامعه‌ای پیشرو و آماده برای آینده هدایت کرده است.

۱۳ - تفاوت کار شما با دیگر فعالیتهای ۲۵ سال گذشته در چیست؟

فعالیت‌هائی که در ۲۵ سال گذشته انجام گرفته، برای رسیدن به موقعیت کنونی لازم بوده است، ولی در حال حاضر به جایی رسیده‌ایم که بایستی فکر آینده بود و آینده سازی کرد، این آینده سازی فقط با آینده سازان یعنی جوانانمان امکان پذیر است. موفقیت و پیشرفت این آینده سازان نه تنها مایه مباهات، بلکه باعث آرامش خیالمان نیز خواهند بود.

۱۴ - چه چیز دیگری می خواهید بگویید؟

بنابراین زمان آن رسیده که به قول معروف ز تعارف کم کنیم و بر مبلغ بیافزائیم. بایستی کاری کنیم کارستان و در در عمل نشان دهیم که به آنچه می‌گوئیم و اعتقاد داریم عمل می‌کنیم و سرمشق خوبی نیز برای این آینده سازان هستیم.

به امید شاهد بودن اتحادهای بیشتر و بهتر جامعه خوبمان در آینده نزدیک.

با تشکر از شما خانم یومطوبیان.

من نگران هستم که ترویج و حمایت کمابیش پر شور بسیاری از سازمانهای مسیحی از فیلم «رنج نامهٔ عیسی» به عنوان وسیله ای انجیل گرایانه (تبلیغی)، به این احساس در میان برادران یهودی من دامن زند که مسیحیان، با وجود همهٔ عشق و حمایت خود نسبت به اسرائیل، دوست ما نیستند.



متحده» به کار می‌رود. اما هر گاه که به دوستان مسیحی انجیل‌گرای خود این جمله را می‌گویم، آنان بی درنگ پاسخ می‌دهند: «خداوند شما را نیز برکت کند».

از همین رو است که من رخدادهایی را که پیرامون فیلم جدید مِل گیبسون تنیده می‌شوند، با دلی دردمند نظاره می‌کنم. من حقیقتاً نگران هستم که این فیلم، یعنی «رنج نامهٔ عیسی»، به مانعی بر سر راه نزدیکی روزافزون و چشمگیری که میان یهودیان و مسیحیان رو به رشد گذاشته است، تبدیل شود. باید از جهت اطمینان تأکید کنم که دوستان انجیل‌گرایم به من می‌گویند که یهودیان را در مرگ عیسی مقصر نمی‌دانند و اضافه می‌کنند که عیسی خود به میل خویش زندگیش را تسلیم کرد تا بشریت از گناه نجات یابد. این تعبیر انجیل‌گرایانه روایتی از تصلیب است که در انجیل یوحنا توصیف شده است. در این نسخه، عیسی همهٔ روایت «رنج نامه» (Passion، پاسیون) را در اختیار خود دارد.

امّا به استناد همهٔ نقدهای جدّی دربارهٔ این فیلم که تا به حال خوانده‌ام، به نظر می‌رسد که مِل گیبسون بر روایتی تأکید کرده است که در انجیل‌های تلخیصی، به ویژه انجیل متی، آمده است. یهودیان در این روایت‌ها تحریک کنندگان اصلی قتل عیسی تصویر شده‌اند. در این روایت‌ها رومیان نسبت به قتل عیسی اکراه دارند و این یهودیانند که آنان را به سوی عمل «خداکشی» هدایت می‌کنند.

من در نوشته‌های دیگرم تشریح کرده‌ام که این روایت، حداقل به دو دلیل، نیاز به توضیح و روشنگری دارد، و نباید آن را به گونه‌ای تحت‌اللفظی تعبیر کرد. این روایت نه تنها نسبت به یهودیان عمیقاً توهین‌آمیز است (هر چه باشد، عیسی خود یکی از ما بود)، بلکه از نظر تاریخی غیر ممکن است. پونتیوس پیلاته بی رحم‌ترین فرمانروای منطقه‌ای بود که رومیان به یهودیه فرستادند. او به طور منظم هزاران یهودی را، به ویژه کسانی که همچون عیسی، سلطهٔ رومیان را به چالش می‌خواندند، صرفاً از روی هوس و بدون هیچ محاکمه‌ای قتل عام می‌کرد.

ممکن است همکاران انجیل‌گرای من درست بگویند و مسیحیان، پس از دیدن تصویر آشکار یهودیان در این فیلم که خواستار مرگ عیسی هستند، احساسی منفی در وجود خود نداشته باشند. با این حال، من از آن می‌ترسم که یهودیان خود از رابطهٔ نزدیک خویش با مسیحیان پای پس بکشند، چرا که احساس می‌کنند این دروغ وحشتناک که «خدای مسیحیت توسط ما یهودیان کشته شد» همچنان ادامه دارد.

آیا مسیحیان می‌توانند درک کنند تا چه حدّ برای ما یهودیان دردناک است که از دیدگاهی مسیحی متهم شویم که کسی را که در نظر آنان سرچشمهٔ همهٔ خوبی‌هاست به قتل رسانده‌ایم و منشاء کلّ نور و زندگی را نابود کرده‌ایم؟ این که چنان به شیطان نزدیک بوده‌ایم که خداوند را کشته‌ایم؟ آیا برادران و خواهران مسیحی من می‌توانند بفهمند وقتی ما یهودیان که بیش از ۳۰۰۰ سال است خود را وقف یک شیوهٔ زندگی اخلاقی و بر اساس قانون کرده‌ایم، به عنوان آدم‌هایی تصویر شویم که از تماشای ضربه زدن وحشیانهٔ رومی‌ها بر تن عیسی در وجدی دگر آزارانه غوطه می‌خورند، چه دردی در خود احساس می‌کنیم؟

آیا حقیقتاً ذهن بشر می‌تواند اتهامی توهین‌آمیزتر از این پیش رو بگذارد که یک قوم، آفرینندهٔ جهان را کشت؟ جدا از آن که این اتهام عمیقاً موهن و تحقیرآمیز است، مسئله‌ای بسیار جدی‌تر نیز مطرح است: همین اتهام عملاً به قتل عام دقیقاً میلیون‌ها یهودی در طول دو هزار سال گذشته منجر شده است.

برای نمونه، نقل قول زیر را که در مجموعه‌ای از مقالات کاتولیک با عنوان «دربارهٔ مسئلهٔ یهود» منتشر شده است، در نظر بگیرید: *«معمای [بنی] اسرائیل معمایی خونین است...شاید برای بنی اسرائیل لازم است که خدای خود را، خدایی که نتوانستند بشناسند، بکشند. اما از آنجا که خون معماوار خون طلبید، آیا عشق مسیحیان نیز آن اندازه حق ندارد*

نمی‌دهد. به عنوان نمونه، این فیلم ذکری از آن نمی‌کند که انجیل‌ها به وضوح می‌گویند که **فریسیان** (پیشینیان یهودیت امروزین) تلاش کردند تا جان عیسی را نجات دهند (لوک، ۱۳/۳۱)؛ که **گملیئل**، رهبر همهٔ فریسیان، **جان پطروس** و باقی حواریون را از اعدام شدن به توسط کاهن بزرگ فاسدی که مأمور مستقیم رُم بود نجات داد (اعمال ۴۰-۵/۳۳)؛ یا آن که **پاوْل** (از حواریون مسیحی و بنیانگزار کلیسای مسیحی) به هنگام محاکمه، توسط فریسیان و این گفتهٔ آنان نجات یافت که گفتند: *«ما در این مرد هیچ تقصیری نمی‌بینیم. چه بسا که روح یا فرشته‌ای با او سخن گفته باشد؟* (اعمال، ۹-۲۳/۶).

امّا چیز دیگری نیز باقی است. من از آن می‌ترسم که چنان که توضیح خواهم داد، قربانی اصلی فیلم «رنج نامه» خود عیسی باشد. آنچه که طی هزاران سال بیش از هر چیز عامل جدایی میان مسیحیان و یهودیان بوده است چهرهٔ عیسی است، این که مسیحیان معتقد بوده‌اند عیسی خدا است، در حالی که یهودیان او را صرفاً به دیدهٔ یک یهودی که از دین گرویده است نگریسته‌اند. امّا امروزه این امکان هیجان‌آور وجود دارد که به دلیل پیوندهای اجتماعی، مذهبی و سیاسی نوین میان مسیحیان و یهودیان، یهودیان نگرش خود به عیسی را از نو ارزیابی کنند و هر دو گروه بتوانند از طریق شخصیت خودِ عیسی، علیرغم درک متفاوتِ خود از او، به یکدیگر ملحق شوند.

یهودیان به ندرت نگاهی جدی به آموزه‌های عیسی داشته‌اند. در واقع خود کتاب «عهد جدید» در بسیاری از خانه‌های یهودی کاملاً تابو (ممنوع) محسوب می‌شود. دو دلیل اصلی برای این امر وجود دارد. نخست آن که ایدهٔ یک انسان به عنوان خدا به معنای تخطّی از اصول مرکزی ایمان یهود است. امّا حتی این دلیل توضیح نمی‌دهد که چرا یهودیان هرگز آماده نبوده‌اند تا عیسی را که هر چه باشد، حتی اگر مسیح موعود نبود، یک ربی یهودی فریسی بود، به دیدهٔ انسانی حکیم بنگرند که آموخته‌های اخلاقیِ سرمشق‌وار را ترویج می‌کرد.

یهودیان عیسی را به عنوان ناجی نخواهند پذیرفت، امّا به عنوان یک انسان حکیم چطور؟ آنان او را به عنوان خدا قبول نخواهند کرد، امّا بسان یک آموزگار بزرگ چطور؟ هر چه باشد یهودیان بسیاری هستند که آموزه‌های بودا را مطالعه می‌کنند، در حالی که کاملاً وفادار و پایبند به مذهب یهودند! همین عملِ ردّ کامل عیسی است که مانع رشد عمیق‌تر ارتباطی عقلانی و روحانی میان مسیحیان و یهودیان شده است.

امّا دلیل سادهٔ ذهنیّت کاملاً بستهٔ یهودیان نسبت به عیسی این است که یهودیان بیش از آن به نام عیسی رنج کشیده‌اند که دیگر حتی دو ریال برای حرف‌های او بدهند. مسیحیان از نظر تاریخی با تبدیل کردن عیسی به منشاء کلّ یهودستیزی، کاری نفرت‌آمیز در قبال خاطرهٔ او کردند. مسیحیان لذت می‌بردند که این گفتهٔ منسوب به عیسی را برای یهودیان تکرار کنند که «شما فرزند پدرتان شیطان هستید، و ارادهٔ شما آن است که میل او را انجام دهید» (یوحنا ۸/۴۴)، و یا آن که طبق گفتهٔ عیسی، یهودیان محکوم به لعنت دوزخ هستند (متی ۲۳).

هرگز هیچ گونه توازنی وجود نداشت. آنان هیچگاه زحمت آن را به خود نمی‌دادند که برای یهودیان سوی دیگر قضیه را تعریف کنند و از آن جنبهٔ عیسی نقل کنند که به وضوح می‌گوید یهودیان برایش عزیزتر از غیر یهودیانند (متی ۷-۱۰/۵ و ۲۶-۱۵/۲۲) و این که عیسی عشقی عظیم به قوم خویش (یهود) داشت.

آیا اگر یهودی بودید و می‌شنیدید که عیسی چقدر از شما نفرت داشت، دیگر هیچ علاقه‌ای به این آدم داشتید؟ آیا اگر اجداد شما به اتهام آن که مسیح کُش بوده‌اند به قتل می‌رسیدند، هنوز با سرعت می‌رفتید تا درس‌های زیبای عیسی را مبنی بر بخشش و گذشت در عهد جدید بخوانید؟ آیا این یک جرم مسیحی، نه تنها در قبال یهودیان، بلکه در قبال خود عیسی نیست که او را چنین کامل نسبت به قوم خودش بیگانه ساخت؟

و اینک روز از نو، روزی از نو! به جای آن که فیلمی به روی پرده بیاید که از دیدگاهی مسیحی نشان دهد عیسی مُرد تا کفّارهٔ گناهان همهٔ بشر را بپردازد، فیلمی داریم که توصیف می‌کند دلیل مرگ عیسی آن بود که یک مشت یهودی بی خدا او را مرده می‌خواستند!

حمایت تزلزل ناپذیر مسیحیان انجیل‌گرای امروزین از کشور اسرائیل، در میان یهودیان به درک جدیدی از شخص عیسی به عنوان یک ربی الهام بخشیده است، کسی که حتی پس از دو هزار سال، هنوز به پیروان خود الهام می‌بخشد که قوم یهود را دوست بدارند و از جان یهودی در برابر تروریست‌های آدم کش دفاع کنند. چه غمناک است که همهٔ این‌ها ممکن است با یک فیلم هالیوودی خنثی شود. آیا این هالیوود در مطلقاً بدترین شکل آن نیست؟ واقعه‌ای تاریخی یعنی یک ارزیابی بنیادین نوین توسط یهودیان نسبت به شخصیت تاریخی عیسی با فیلمی تهدید می‌شود که توسط مردی ساخته شده است که رفورم‌های واتیکان دوم را (که رسماً یهودیان را از اتهام خداکشی تبرئه کرده است) ردّ می‌کند. چرا باید مسیحیان انجیل‌گرا از چنین فیلمی پشتیبانی کنند؟

مطمئناً یهودیان هرگز الوهیت یا مسیحیت (ماشیح بودن) عیسی را نخواهند پذیرفت و من به صراحت مخالف تغییر مذهب یهودیان به مسیحیت هستم، همان گونه که با گرویدن مسیحیان به یهودیت نیز مخالفم. من به اصالت و تمامیت هر

مصاحبه



قضاوت قاضیان ایالت ماساچوست به زیر ذره‌بین

نوشته: دنیس پرگر
ترجمه: شهره حکمتی نوفر

همان طور که اطلاع دارید در ماه ژانویه ۲۰۰۴ دادگاه عالی ایالتی ماساچوست تعریف ازدواج را از «بین بین یک زن و یک مرد» به «پیوند بین دو نفر چه از یک جنس و چه از دو جنس» تغییر داد و اضافه کرد که ازدواج بین دو مرد و یا دو زن همانقدر قانونی است که ازدواج بین یک زن و یک مرد.

در ماه فوریه ۲۰۰۴ شهردار سانفرانسیسکو تقاضای دریافت اجازه ازدواج بین هم جنس گرایان را قانونی اعلام کرد و عرض ۱۰ روز به بیش از ۳۰۰۰ جفت، اجازه ازدواج داده شد.

پرسشها و پاسخ‌های زیر مصاحبه‌ای خیالی است نوشته دنیس پرگر نویسنده فیلسوف و گفتگوگر رادیو و تلویزیون با قاضیان ایالت ماساچوست.

سوآل: تمام جوامع متمدن و بزرگ دنیا ازدواج را پیمانی میان دو جنس مخالف می‌دانند. آیا شما قبل از اینکه به تغییر هویت ازدواج رأی بدهید این اصل را در نظر گرفته‌اید؟

جواب: اصلاً چه اهمیتی دارد که دیگر به اصطلاح جوامع متمدن و مترقی «ازدواج» را چگونه معنی کنند. آنها همگی در اشتباه هستند.

سوآل: شما چگونه می‌توانید خط بطلان به روی تمام عقاید خردمندانه جوامع متمدن بکشید؟

جواب: رأی ما به اساس احساسات روشنفکرانه بوده و نه عقاید خردمندانه. همین احساسات روشنفکرانه و دلسوزانه ما باعث گردید که ما ایالت ماساچوست را وادار کنیم تا معنی «ازدواج» را تغییر دهد.

سوآل: زورگویی شما به قانونگزاران ایالت ماساچوست چه احساسی را به شما می‌دهد؟

جواب: احساسی راستین که دنیا فقط به عشق و محبت نیاز دارد.

سوآل: ببخشید، کسی منکر احتیاج انسانها به عشق و محبت نیست. شما به عشق رأی نداده‌اید شما به تعریف و معنی «ازدواج» رأی داده‌اید.

جواب: ازدواج معنی عشق است و عشق معنی ازدواج.

سوآل: اگر مشکل فقط عاشق شدن باشد، آیا شما به نفع کسی رأی خواهید داد که عاشق چندین نفر باشد و بخواهد با همه آنها در یک زمان ازدواج کند؟ به طور یقین اینگونه ازدواجهای چندین همسری بیشتر به دنیا عشق تقدیم خواهد کرد تا ازدواج بین یک زن و مرد.

جواب: ما تصمیم گرفته‌ایم که به این موضع فعلاً رأی ندهیم.

سوآل: خواهر و برادر چطور؟ آیا اگر خواهر و برادری عاشق یکدیگر باشند با رأی شما می‌توانند با یکدیگر ازدواج

جوائز اسکار

گردآورنده: آلبرت دانش‌راد - لس‌آنجلس

شهره آغداشلو (هنرپیشهٔ ایرانی مقیم لس‌آنجلس) با هنرنمائی خود در فیلم «خانهٔ شن و مِه» برای دریافت جایزهٔ اسکار در ردهٔ بهترین زن در نقش دوّم *(Best Supporting Actress)* نامزد شد.

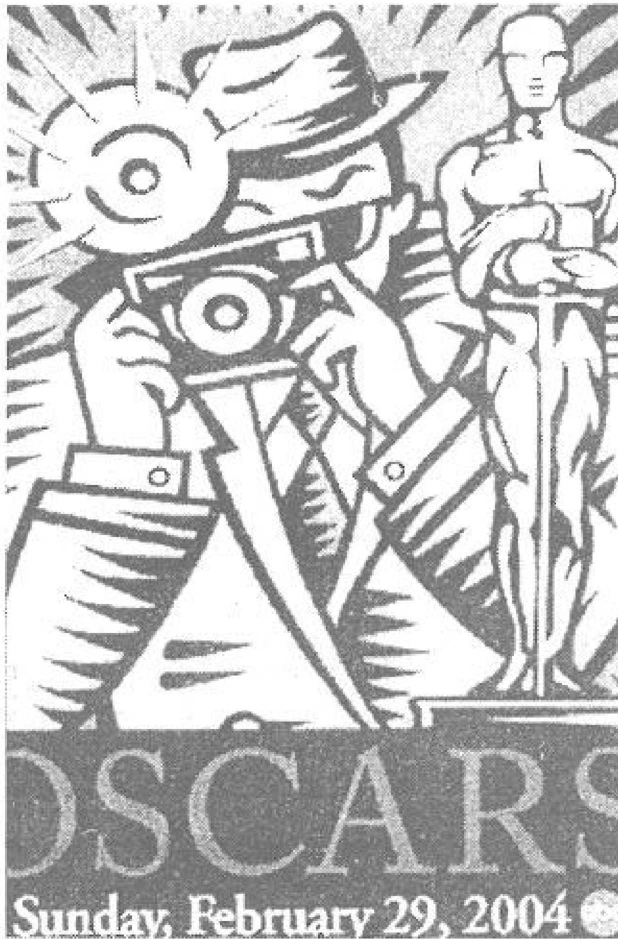
در اعلام کاندیداهای مختلف جوائز اسکار امسال، بهره زیادی نصیب استعداد و مطالب یهودی مشاهده نمی‌شود.

با این حال از Vadim Perleman، کارگردان ۳۹ سالهٔ اوکرائینی، بخاطر اولین فیلم او به نام «خانهٔ شن و مِه» (House of Sand and Fog) تجلیل شد. گر چه Perleman نامزدی بهترین کارگردان سینمایی را به دست نیاورد ولی فیلم او در سه مورد نامزد دریافت جایزهٔ اسکار شد:

- Ben Kingsley، که به گفتهٔ خودش مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگش یهودی بودند، در نقش یک مرد ایرانی سرافراز مهاجر در فیلم خانهٔ شن و مِه نامزد دریافت بهترین هنرپیشهٔ مرد شده.

- شهره آغداشلو (هنرپیشهٔ ایرانی مقیم لس‌آنجلس) با هنرنمائی خود در فیلم خانهٔ شن و مِه برای دریافت جایزهٔ اسکار در ردهٔ بهترین زن در نقش دوم (Best Supporting Actress) نامزد شد. بجاست گفته شود که این اولین بار است که شهره آغداشلو در یک فیلم سینمائی محصول هالیوود و آن هم در نقش همسر Ben Kingsley، هنرپیشهٔ معتبر و معروف و کهنه‌کار ظاهر گردیده است.

اخبار کوتاه



صلح اسرائیلی و فلسطینی

چهار نفر کوهنور اسرائیلی و چهار نفر کوهنورد فلسطینی که شامل رزمندان سابق بودند چندی پیش به اتفاق به ابتکار جالب و صلح جویانه‌ای دست زدند.

این هشت نفر برای پیشبرد مقاصد صلح بین اعراب و اسرائیل از یک کوه دوردست واقع در قطب جنوب بالا رفتند و پس از رسیدن به قلهٔ آن کوه پرچم‌های یکدیگر را در کنار هم نصب کردند. مبتکر این برنامه یک بازرگان اسرائیلی به نام Haske Nathaniel بود. وی در پایان مراسم از طرف کوهنوردان بیانیه‌ای را خواند که خواستار پایان خشونت شده بود و در ضمن آن قلّه به نام صلح اسرائیلی و فلسطینی نامیده شد. □

حساب‌های دولت فلسطین می‌باشند. این اقدام به دنبال اتهاماتی است که سال گذشته بر این دولت وارد شد مبنی بر اینکه بخشی از کمکهای سالانه اتحادیه اروپا به فلسطین، که بالغ بر ۳۵۰ میلیون فرانک می‌شود، ممکن است مورد سوء استفاده قرار گرفته شده باشد. نگرانی اروپا از حسابرسی‌هایی ناشی می‌شود که صندوق جهانی پول سال گذشته در مورد امور مالی دولت فلسطین انجام داد. در ماه سپتامبر ۲۰۰۳، کریم نشاشیبی، رئیس هیئ حسابرسی در یک کنفرانس مطبوعاتی در دبی ادعا کرد که چیزی نزدیک به ۹۰۰ میلیون دلار میان سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ از حساب دولت به یک حساب ویژه‌ای که زیر فرمان یاسر عرفات میباشد، منتقل شده است.

مقامات صندوق جهانی پول و اتحادیه اروپا ابراز می‌دارند که به دلیل روشی که رهبری فلسطین در طی سالها در انجام امور مالی و بازرگانی در پیش گرفته بوده است - یعنی استفاده از شبکه‌ای از شرکت‌های گوناگون برای به دست آوردن پول نقد و انتقال این پول‌ها به نقاط مختلف به هنگامی که گروههای سیاسی فلسطینی مستقر در خارج با اسرائیل می‌جنگیدند - بسیار دشوار است که بتوان ارزیابی نمود که چه مقدار از پول‌های منتقل شده مورد سوء استفاده قرار گرفته شده است. دفتر مبارزه با کلاهبرداری اتحادیه اروپا در کار بازرسی خود، افزون بر مدارکی که فلسطینی‌ها در اختیارشان قرار داده‌اند، از مدارکی که ارتش ایسرائل در طول اشغال مجدد شهرهای فلسطینی در دو سال پیش به دست آورده و در اختیار آنان قرار داده است نیز بهره‌گیری می‌کنند. ایسرائلی‌ها می‌گویند که این مدارک نشان می‌دهند که کمک مالی اتحادیه اروپا به تیپ شهدای الاقصی که مسئولیت بمب گذاری‌های انتحاری را بر دوش دارد، داده شده است.

نماینده فلسطین در پاریس به خبرنگار هفته‌نامه لوکانار انشنه گفت که خانم عرفات از تحقیقات آگاهی ندارد و به «پرسشهای خبرنگاران پاسخ نخواهد داد». وی قول داد که پیامی از این خبرنگار را به خانم عرفات برساند امّا از بیان اینکه چگونه با خانم عرفات تماس برقرار می‌سازد خودداری نمود. روزنامه گاردین نیز پاسخی برای پرسشهایی که شب گذشته مطرح ساخته بود دریافت نکرده است.

> **آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها با توسل به فشار عرفات را وادار ساختند تا وزیر دارایی تازه‌ای به نام سلام فیاض را جایگزین وزیر پیشین سازد تا وی یک مدیریت مالی روشن و شفاف در دولت فلسطین پایه گذاری نماید.**

یاسر عرفات همواره ادعاهای مبنی بر فساد در حکومت فلسطین را رد کرده است، امّا این کمک مالی منابع گوناگون خارجی به این دولت به دلیل برخی ادعاها مبنی بر اینکه بخشی از پول‌های نقد به وسیله مقامات فاسد حیف و میل شده و یا به جنگ طلبانی که علیه ایسرائل دست به بمب گذاری‌های انتحاری می‌زنند، کاهش یافته است.

آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها با توسل به فشار عرفات را وادار ساختند تا وزیر دارایی تازه‌ای به نام سلام فیاض را جایگزین وزیر پیشین سازد تا وی یک مدیریت مالی روشن و شفاف در دولت فلسطین پایه گذاری نماید. فیاض موفق به برداشت گامهای بزرگی در این راه شده و مورد ستایش دولت‌های خارجی قرار گرفته ولی مورد خشم و تنفر شدید عرفات قرار گرفت. امّا فساد همچنان پا برجاست و سرخوردگی گسترده‌ای در میان فلسطینی‌های عادی نسبت به زندگی نسبتاً پر تجمل رهبرانشان به وجود آمده است. روز شنبه گذشته بیش از سیصد نفر از اعضاء حزب حاکم الفتح که در زیر رهبری عرفات می‌باشد، به طور دسته جمعی استعفاء دادند و خواستار دموکراسی بیشتر و پایان دادن به فساد شدند. □

نامه رسیده

جایزه صلح نوبل و خانم شیرین عبادی

ناظران سیاسی ادعا دارند اهدای این جایزه به خانم عبادی جنبه سیاسی و توطئه اتحادیه اروپا در ادامه غارتگری هر چه بیشتر منابع زیرزمینی ایران اشغال شده به وسیله آخوندهای عرب تبار ضد ایران و ایرانی است. خانم عبادی پس از دریافت این جایزه اعلام نموده من یک زن مسلمان هستم در حالی که در تاریخ دریافت کنندگان جایزه نوبل هیچکدام اشاره به مذهب خود نکرده‌اند بدون شک سخنرانی خانم عبادی به وسیله آخوندهای حاکم بر ایران تنظیم گردیده چون پس از فاجعهٔ ۱۱ سپتامبر به وسیله ۲۰ نفر مسلمان نقاب از چهره دین اسلام ضد بشر برداشته شد. بنابراین خانم عبادی می‌کوشد در مرمت دین اسلام افکار عمومی جهان را فریب دهد. حیرت‌انگیز اینکه خانم عبادی در ادامه سخنرانی خود شدیداً به آمریکا حمله نموده چون آمریکا تعدادی از جانیان همکاران



خانم عبادی: من یک زن مسلمان هستم حقوق بشر با اسلام مطابقت دارد

بن لادن: مسلمانان با جهاد باید کلیه غیر مسلمانان دنیا را به قتل برسانند

هواپیما ربایان را در گوان تا نامو زندانی نموده هم چنین خانم عبادی از تروریست‌های فلسطینی که با بستن بمب به کمر خود و داخل اتوبوس یا فروشگاهها میشوند و صدها زن و کودک، مرد و پیرمرد بی گناه را با خود قطعه قطعه می‌نمایند به این امید که میروند به بهشت با ۷۲ دختر باکره عشق ورزی می‌نمایند دفاع نموده دولت اسرائیل را محکوم نموده که چگونه مردم فلسطین را سرکوب می‌نماید در حالی که خانم عبادی به خوبی مطلع است گروههای متعدد اسلامی افغانستان تعداد ۵ میلیون از همدیگر را قتل عام و در ایران زادگاه ایشان ۲۵ سال است گردن زده میشود دست و پا می‌برند چشم از حدقه در می‌آورند. ابتدائی‌ترین حقوق بشر رعایت نمی‌شود، هزاران زندان مملو از دیگر اندیشان به طور روزانه چندین نفر در ملاء عمومی اعدام میشوند. خانم عبادی اظهار داشته موازین حقوق بشر با دین اسلام مطابقت دارد گویا این خانم سالهای متمادی در خارج از کره زمین زندگی میکرده از اخبار جهان اطلاعی ندارد. ۵ میلیون افغانی مسلمان همدیگر را قتل عام نمودند در جنگ ۸ ساله ایران و عراق اسلامی دکتر المشهد سفیر کبیر عراق در آمریکا گفت تعداد ۳ میلیون ایرانی و عراقی مسلمان کشته شدند و تعداد ۲ میلیون نفر معلول گردیدند. در الجزیره اسلامی طی ۲ سال سیصد هزار نفر زن و مرد و کودک مسلمان الجزیره‌ای به وسیله بنیادگرایان اسلامی سر بریده شدند. در کشور اسلامی اندونزی اکثریت اهالی جزیره تیمور شرقی که تقاضای استقلال می‌کردند به وسیله مسلمانان اندونزی سالها قتل عام می‌شدند و سال گذشته اخبار وحشتناکی در دنیا پخش گردید که مسلمانان بیشتر از صد نفر عیسوی تیمور شرقی را سر بریده سرهای بریده شده را بر سر نیزه‌های بلند قرار داده در خیابانها به رقص و شادی اسلامی پرداختند. در ایران پس از استقرار رژیم اسلامی اراذل اوباش اسلامی با بولدزر به ساختمانهای اداره ساواک حمله برده ساکنین را به قتل رسانده و سپس جسد آنان را با ساطور قصابی قطعه قطعه نموده به شاخه‌های درختان خیابان به معرض نمایش گذارند. به نظر می‌رسد خانم عبادی نمی‌داند فلسطینی‌ها که از آنها حمایت می‌کند تا به حال چندین فلسطینی از برادران خود را با اتهام همکاری با ایسرائل تیرباران سپس جسد آنان را قطعه قطعه بالای تیر چراغ آویزان نموده‌اند. تروریست‌های فلسطینی قبل از شورش سیاه سینما رکس آبادان

بر اساس یک پژوهش گسترده ۱۵ ساله

کودکانی که فیلم و برنامه‌های تلویزیون خشونت بار می‌بینند، در جوانی دچار خشونت رفتار می‌شوند



برگرفته از: نشریه روانشناسی پرورشی
برگردان: دکتر بدیع بدیع‌الزمانی

واشینگتن - کودکانی که برنامه‌های خشونت بار تلویزیون را پیوسته دیده و خود را در قالب شخصیت‌های خشن و هم جنس خود قلمداد می‌کنند و تصور می‌کنند که اعمال خشونت آمیز برنامه‌های تلویزیونی واقعی هستند، در جوانی دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند و این مطلب در مورد دختران و پسران، هر دو، صادق است. این واقعیت به دنبال انجام یک پژوهش ۱۵ ساله بر روی زندگی ۳۲۹ کودک به دست آمده که از کودکی تا جوانی زیر نظر قرار گرفته شده بودند. نتیجه به دست آمده از این پژوهش در شماره ماه مارس مجله روانشناسی پرورشی که نشریه انجمن روانشناسان آمریکاست، منتشر گردیده است.

این حقیقت به دست آمده در مورد هر کودک از هر خانواده صادق بوده و ارتباطی با سطح خشونت اولیه کودک، توانائی‌های هوشی وی، درجه آموزش و شغل پدر و مادر، درجه خشونت پدر و مادر و حتی روش تربیتی آنان ندارد.

این پژوهش که به وسیله چهار روانشناس از دانشگاه میشیگان انجام شده دنباله تحقیقی است که در سال ۱۹۷۷ به طور دراز مدت بر روی ۵۵۷ کودک ۶ تا ۱۰ ساله در شهر شیکاگو انجام پذیرفته بود. در آن پژوهش کودکان از برنامه‌های خشونت بار تلویزیونی که بیشتر می‌دیدند نام برده و گفته بودند که آیا خود را در قالب شخصیت‌های خشن این برنامه‌ها قلمداد کرده و همچنین گفته بودند که آیا به نظر آنان برنامه‌های خشونت بار واقعی هستند یا نه. در آن هنگام برنامه‌های پر از خشونت عبارت بودند از «استارسکی اند هاچ»، «مرد شش میلیون دلاری» و سریال کارتون «رودرانر».

پژوهش تازه ۳۲۹ نفر از دختران و پسرانی را که در تحقیق سال ۱۹۷۷ شرکت داشته و اکنون بیست و چند ساله هستند مورد تحقیق دوباره قرار داده است. از این شرکت کنندگان در مورد برنامه‌های تلویزیونی مورد علاقه‌شان و همچنین رفتار خشونت بارشان پرس و جو شده است. همچنین همسران و یا دوستان شرکت کنندگان در پژوهش نیز مورد پرسش قرار گرفته و از آنان در مورد شمار دفعاتی که شرکت کنندگان اصلی دست به عمل خشونت آمیز می‌زنند سوآل شده است. افزون بر این، سوابق محکومیت کیفری و همچنین خلاف رانندگی شرکت کنندگان از راه تماس با مقامات ایالتی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مردانی که در کودکی برنامه‌های تلویزیونی پر خشونت زیادی دیده‌اند، به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از دیگران با همسران خود با زور رفتار کرده، آنان را هُل داده و در مقابل اهانت افراد دیگر خونسردی خود را از دست داده و همچنین دارای سابقه محکومیت کیفری و خلاف رانندگی بیشتری هستند. به عنوان نمونه می‌توان گفت محکومیت کیفری چنین مردان بیش







«معنای بیائید با هم معامله کنیم»

وگسترش ترور در خاورمیانه

تفسیری از: *Max Boot*

عضو ارشد *Council on Foreign Relation*

اقتباس از: لس‌آنجلس تایمز
برگردان: آلبرت دانش‌راد - لس‌آنجلس

۴۲۹ زندانی عرب را که اکثراً فلسطینی بودند به انضمام اجساد ۵۹ رزمندهٔ لبنانی را آزاد کرد.

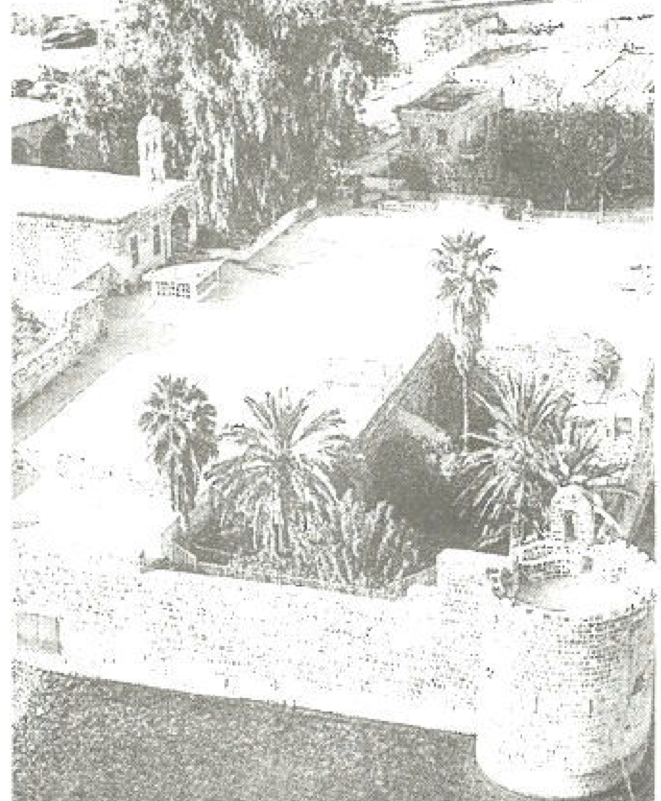
دولت اسرائیل مدعی است که اکثر زندانیان آزاد شده افرادی هستند که در خارج از محدودهٔ سرحد جنوبی لبنان دستشان به خون شهروندان اسرائیلی آلوده نبوده و بسیاری از آنها از جمله تروریست‌هائی بودند که نقشهٔ آنها خنثی شده بود. به گزارش نشریهٔ Jerusalem Post، از یکی از افسران مأمور نظارت بر انجام این معامله شنیده شد که می‌گفت: «در این فکرم که چقدر طول می‌کشد تا اینها عملیات تروریستی خود را دوباره از سر گیرند؟»

با تروریست‌ها وارد معامله نشوید. این یکی از آن حرفهائی است که از دهان خارج می‌شود ولی به ندرت عملی می‌گردد. به طور کلّی هر دموکراسی با تروریست‌ها معامله می‌کند و مثلاً انگلستان با رزمندگان جمهوریخواه ایرلند (IRA) معامله کرد، کلمبیا با رزمندگان انقلابی کلمبیا (FARC) و هندوستان با شورشیان جدائی طلب کشمیر و بالاخره اسرائیل با سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO).

در این میان ایالات متحدهٔ آمریکا از دیگران مستثنی نیست زیرا از سال‌های ۱۷۹۰ با آدم ربایان معامله کرده. در آن سال‌ها جرج واشنگتن برای آزادی ملوانانی که در دریای مدیترانه به وسیله دزدان دریائی بربر باج پرداخت. همچنین در سال ۱۹۸۰ برای آزادی کارکنان سفارت آمریکا در تهران گروگان گرفته شده بودند و نیز آمریکائیان دیگری که در لبنان ربوده شده بودند معاملاتی انجام داد.

ولی توافقی که اخیراً بین اسرائیل و تروریست‌های حزب‌الله لبنان انجام شد در تاریخچهٔ طولانی برای آزادی گروگان‌ها از نظر بی قرینه بودن داد و ستد کم نظیر است. اسرائیل، در برابر دریافت اجساد سه سرباز و یک بازرگان ربوده شدهٔ شهروندش،

بازدید از اسرائیلی دیگر



اسرائیل از ناگواری‌های سه سال گذشته زنده بیرون آمده ولی ما نباید خودمان را فریب بدهیم. درزهای اسرائیل در حال از هم گسستن است.

من بارها به اسرائیل سفر کرده‌ام. آخرین سفر بازرگانی من در ماه جون گذشته انجام شده بود. این بار با توجه به علاقهٔ همسر و سه فرزندم به اتفاق برای گذراندن تعطیلات زمستانی راهی اسرائیل شدیم و در کنار دوستان اسرائیلی به گردش و سیاحت بسیار لذت بخشی پرداختیم.

اما همین که در اورشلیم وارد هتل محل اقامتمان شدیم، من متوجه شدم که اوضاع مانند سابق نبود. آنچه می‌دیدم حتی با آنچه در ماه جون گذشته دیده بودم تفاوت داشت. در Lobby هتل با یک حالت مملو از ترس عصبی و هیجان توأم با احتیاط‌های امنیتی شدید روبرو شدیم، وضعیتی که درک آن آسان بود.

از همان اول اقامت در هتل حس کردیم که آشفتگی و هیجانی که در آنجا مشهود بود فقط نشانهٔ کوچکی بود از آنچه در شهر می‌گذشت. اورشلیمی که در گذشته‌ای نه چندان دور، احساس شکوفائی و فرهنگ جهانی می‌کرد و خود را متعلق به هر فرد یهودی می‌دانست، اکنون این طور به نظر می‌رسید که مورد تاخت و تاز مذهبیون بنیادی قرار گرفته و اهالی غیر مذهبی و خلاقه را از آنجا بیرون می‌راند. از قیافهٔ شهر فقر نمایان بود. مغازه‌ها درهایشان را تخته کرده بودند. اورشلیم امروزه فقیرترین شهر اسرائیل شناخته شده و همانند پایتخت یک کشور جهان سوم می‌نمود. تروریسم و بدی اقتصاد و

نویسنده: Gary Wexler *
ماخذ: Los Angeles Jewish Journal
برگردان: آلبرت دانش راد - لس آنجلس

شهره حکمتی نوفر

یهودیت



آنانی که تاریخ را فراموش کنند محکومند تا تاریخ را دوباره تکرار کنند

یکی از داغ‌ترین بحث‌های چند ماه گذشته در میان یهودیان شهر فرشته‌ها، برنامه گفت و شنود میان به اصطلاح مذهبیون و نه چندان مذهبیون بود. ربانوت در دو جلسه اول کم و بیش با مردم به گفتگو نشستند. در جلسهٔ سوّم از آمدن خودداری کردند. چرا و به چه دلایلی ربانوت از شرکت در جلسه سوّم خودداری کردند مورد بحث من نیست. چیزی که مرا به تأثر و تفکر برانگیخته است گفتگوها و تهمت‌هایی است که من در این جلسات و هفته‌های بعد از این و آن شنیده‌ام.

اگر ما در کشور آزادی چون آمریکا زندگی می‌کنیم و همچون شهروندان آمریکایی خود را آزاده و آزاد می‌خوانیم بد نیست کمی هم آزاده و آزاد بیاندیشیم.

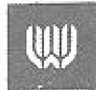
ما باید به دنبال یهودیتی باشیم که خود را مدیون آزادی و برابری و درک یکدیگر بدانیم نه تنگ نظری و بی اعتباری و فحاشی و محاکمه و فرق گذاری. یهودیت نباید با دانش رقابت کند. یهودیت فقط برمیتصوا و پارتی نیست. یهودیت نباید فقط به امید ماشیح نشستن باشد. یهودیت نباید مذهب با اعمال شاقه باشد و یهودیت نباید همچون کفش کهنه‌ای در گوشه کمد باشد که می‌دانیم آنجاست و فعلاً به آن احتیاجی نداریم.

اعتبار یهودیت، دانش است نه خرافات. اگر معیار یهودی بودن پوشیدن لباس بلند مشکی وگذاردن ریش باشد پس اکثر یهودیان مهاجر ایرانی از جمله چندین و چند ربای محترم جامعه ما یهودی نیستند. آینده یهودی ماندن فرزندان ما رابطه حقیقی با اعمال امروز ما دارد. من کاملاً می‌دانم که در جامعه کوچک ما همچون سایر جوامع یهودی آمریکا تعداد ازدواجهای خارج از مذهب رو به فزونی است و رقم تقاضا کنندگان برای ورود به یهودیت به هیچ میرسد. ولی نباید اجازه دهیم که عده‌ای کوچک همچون میسیونرهای مسیحی قرن هجده با توسری زدن و ضرب شمشیر بقیه را مجبور به اجرای قوانین آنها کنند. در عوض ما هرگز نمی‌خواهیم همچون مهاجران یهودی قرن نوزدهم آنچنان عقاید و اعتقادات خود را فراموش کنیم که فرزندانمان خود را فقط یهودی زاده بنامند و درخت کریسمس را هم جزو تزئینات آخر سال در خانه‌هایشان بر پا کنند.

یهودی تشنه معلومات است. بیائید با هم بیاموزیم. بیائید

آیا میدانید چگونه صدها دلار به نفع خود در هزینه های وام صرفه جوئی کنید؟

قبل از خرید خانه با مراجعه مستقیم و بدون واسطه به بانک



Washington Mutual

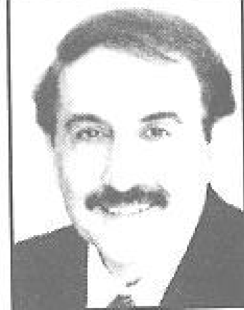
منافع شما در مقایسه با بانکهای دیگر تضمین میشود

* گرفتن PRE-APPROVAL بدون هیچ هزینه
* گرفتن وام بدون درخواست اوراق مالیاتی
* گرفتن وام در اسرع وقت

(310) 777-2301 (310) 998-1568

800-484-3655 Code 5050

9245 Wilshire Blvd., Beverly Hills, California 90210



برای اطلاعات بیشتر با

ایلای اصیل

تماس بگیرید

ELI ASIL
LOAN CONSULTANT
BEVERLY HILLS OFFICE



17002

PROGRAMS SUBJECT TO CHANGE CERTAIN RESTRICTION AND CONDITIONS APPLY LOW DOC WE RESERVE THE RIGHT TO REQUEST ADDITIONAL DOCUMENTATION BORROWER PRE-APPROVAL IS SUBJECT TO ACCEPTABLE PROPERTY APPRAISAL.

یک فرصت صرفه جوئی در هزینه های وام و املاک

حمید پرزیوند

مشاور با تجربه درامور وام و املاک

- با در دست داشتن لیست املاک مصادره شده بانکی
- لیست کلیه املاک مسکونی برای خرید و فروش در هر منطقه
- مذاکره با بانکها برای به تاخیر انداختن حراج خانه شما و فروش فوری آن
- اخذ انواع وامهای مسکونی و تجاری



CENTRAL CAPITAL financial group, inc.

فروش خانه
با ٤درصد کارمزد
تا آخر ماه جاری

با خرید خانه از ما یک
دیش ساتلایت
به رایگان دریافت کنید
تا آخر ماه جاری

ارزیابی رایگان

-بورلی هیلز پست آفیس . خانه ای ۳ خوابه . ۳ حمام . ایرانی پسند $849,000
-غرب لوس آنجلس . کاندو ۲ خوابه . ۲ حمام $350,000
-انسینو . خانه‌ای ۳ خوابه . ۲ حمام . ۲۰۰۰sqft زیربنا $499,000
-وودلندهیلز . ۳ خوابه . ۲ حمام . زیربنا ۱۷۰۰sqft $475,000

818-385-0808
818-388-4886

کاشر چیست؟

طبق تعریف قوانین مربوط به دستور غذای یهودی، غذا یا «کاشر» (درست، صحیح، مناسب) است یا «تریفا» (دریده، کثیف و بنابراین ممنوع). فقط گوشت «خالص یا تمیز» حیوانات که به طور کامل دارای سم‌های شکافته می‌باشند و نشخوار کننده هستند قابل خوردن هستند. ماهی‌ها باید پرک داشته و فلس آنها به راحتی از بدن ماهی جدا شود. پرندگانی که طبق رسوم «کاشر» محسوب می‌شوند قابل استفاده می‌باشند. جانوران خزنده و اغلب حیوانات بالدار که خزنده هستند مانند بعضی از اجزاء حیوانات «کاشر» که دارای چربی‌های غیر مجاز و یا رگ و پی هستند ممنوع شده‌اند. همچنین شراب‌ها، پنیرهای غیر کاشر و نیز شیر و تخم و تخم موجود در تخمدان حیوانات و پرندگان و ماهی‌های غیر کاشر نیز ممنوع می‌باشند.

برای اینکه بتوان کاشر نامید و قابل استفاده باشد، حیوانات و پرندگان باید طبق قوانین شرعی یهود از نظر بیماری و نقص عضو مورد معاینه قرار گیرد و پس از کشته شدن، خون از بدنش به طور کامل خارج شده باشد. کلیه مخلوط‌های شیر و گوشت و مشتقات آنها ممنوع می‌باشند و در واقع در یک خانهٔ بسیار کاشر باید دو سری وسائل غذاخوری موجود باشد. یک سری برای غذاهای گوشتی و دیگری برای غذاهای لبنیاتی.

اغذیهٔ خنثی، مانند میوه‌جات، سبزیجات و مشتقات آنها نه گوشتی هستند و نه لبنیاتی. به این گونه غذاها پارو (Pareve) می‌گویند و از آنها همراه با غذاهای گوشتی یا لبنیاتی می‌توان استفاده نمود. ماهی‌ها هم که "Pareve" می‌باشد می‌توان با همان غذا خورد ولی نمی‌توان آنها را توأماً همراه با گوشت مصرف کرد.

قوانین مخصوص غذاهای موعد پسح استفاده از موادی را «ور آمده» باشند و یا چیزهایی که با مخمر تهیه شده باشند منع می‌کند.

طبق تعریف قوانین مربوط به دستور غذای یهودی، غذا یا «کاشر» (درست، صحیح، مناسب) است یا «تریفا» (دریده، کثیف و بنابراین ممنوع).

دلایل کشروت

تورات و منشاء قوانین و فلسفه یهودیت، دلیل مشخصی برای رعایت کشروت و یا بیشتر ده فرمان ارایه نمی‌کند. تنها شرح قطعی که تورات درباره کشروت داده اینست که با رعایت این قوانین ملت اسرائیل «افراد مقدسی» می‌شوند (Exodus, 22:31). قدوسیت غالباً توسط مفسرین مذهبی چیزی مجزا و متفاوت تعریف گردیده. قوانین کشروت مسلماً بر این دو صفات مشخصه تأکید می‌ورزد و چنانچه یهودیان هنوز به سطوح قدوسیت دست نیافته‌اند، قوانین کشروت بدون شک در جدا سازی مردم یهود به عنوان یک نژاد مجزا موفق شده است.

در حالی که هیچ دلیل رسمی برای رعایت کشورت ارایه نشده بود، مفسرین و فیلسوفهای بسیاری کوشیدند تا برای قوانین رعایت کشروت دلایل اساسی و منطقی تهیه کنند تا غالباً کسانی را که از آن دوری کرده بودند مجدداً به رعایت قوانین کشروت باز گردانند.

دلایل بهداشتی

رامبام، فیلسوف، استاد هلاخا و پزشک قرون وسطی، عقیده داشت که قوانین کشروت وسیله‌ای برای اعتلای سلامت انسان (Guide to Perpledeed, Part III, chapter 48) می‌باشند. دانشمند مشهور دیگری به نام Don Isaac Abarbanel این نظریه را مورد پرسش قرار داده می‌گوید: «خداوند مرا از اعتقاد به اینکه دلایل غذاهای ممنوعه جنبه پزشکی دارند برحذر داشته! زیرا اگر چنین بود کتاب قانون خدا هم می‌بایست در ردیف کتاب‌های پزشکی کوتاه و کم اهمیت قرار داشته باشد...به علاوه ما با چشمان خود انسانهایی را می‌بینیم که از گوشت خوک و حشرات و مانند آنها تغذیه می‌کنند...و همین امروز خوب و زنده و سالم می‌باشند».

دلایل روحانی

R. Issac Abarbanel (akedat Yitzchak) و Nachmanides عقیده داشتند که قوانین تغذیه برای بهبود جسم داده نشده‌اند بلکه برای بهبود روح می‌باشند. به اعتقاد



من یک شهروند آمریکایی هستم

مسابقه پوستر هایاس در سال 2004 برای جوانان مهاجر

چگونه میتوان یک شهروند فعال بود؟

شما از فرهنگ و تجربیات مهاجرتتان چه استفاده ای کرده اید که به سرزمین جدید خود و دنیای بزرگتر خو بگیرید؟ بما نشان دهید که شما چگونه می خواهید در جامعه جدید شرکت کنید که به بهبودی آن بیفزایید.

www.hias.org // poster@hias.org

جوائز

*یکنفر برنده جایزه نهائی مبلغ 1000 دلار در حساب پس انداز بصورت باند می گیرد.
*سه نفر برندگان بعدی جایزه های مخصوص می گیرند.
*هر کدام از دوازده برنده نهائی گواهی موفقیت می گیرند و کار هنری آنها بر روی کارتهای تبریک هایاس و نیزدر تقویم سال 2005 هایاس به چاپ می رسد.
تمام شرکت کنندگان یک گواهی تقدیر و یک سری کارتهای تبریک هایاس دریافت می کنند.

تاریخ مهلت

آخرین روز پست کردن پوسترها روز 31 ماه می 2004 می باشد.

طریقه پست کردن

لطفا فرم زیر را بوسیله چسب نواری و یا چسب مایع به پشت کار هنری خود نصب کنید (ازمنگنه و کلیپس استفاده نکنید) و آنرا در پاکت و یا استوانه مقوائی قرار داده وبه آدرس زیرپست کنید:

HIAS Poster Contest, 333 Seventh Avenue, 17th Fl., New York, NY 10001-5004

(ضروری است) توضیح در باره کار هنری

شرکت کنندگان گروه سنی 7-4 بایستی حد اقل در یک جمله در باره کار هنری خود توضیح دهند.
آنهائی که در گروه سنی 11-8 هستند بایستی حد اقل در یک پاراگراف و آنهائی که در گروه سنی 15-12 می باشند می بایست در دو و یا سه پاراگراف در باره کار هنری خود توضیح دهند.

قوانین مسابقه

شرایط

*توضیح کوتاه در باره کار هنری (پائین صفحه را ببینید).
*هر نفر میتواند فقط یک پوستر بفرستد.
*اندازه پوستر نباید بزرگتر از 50x50 سانتیمتر باشد (میتوانید از آبرنگ یا مداد شمعی یا مداد و یارنگ روغن و یا کولاژ که نوعی کار هنری است استفاده کنید).
*این کار هنری در هایاس میماند و به شما برگردانده نمی شود.
*افراد فامیل کارمندان هایاس نمی توانند در این مسابقه شرکت کنند.

داوری

برندگان مسابقه توسط یک گروه داور انتخاب می شوند. داوری بر مبنای خلاقیت و نیروی ابتکار و تکنیک و رابطه آن با موضوع انجام میگیرد. رای داوران نهائی خواهد بود

شرایط سنی

سه گروه سنی می توانند در این مسابقه شرکت کنند
سن 7-4, سن 11-8 و سن 15-12.

HIAS

OFFICIAL ENTRY FORM

Name ______________ Age ________ Birth Date ____________

Street Address ______________ City/State/Zip ____________

Telephone ______________ E-mail address ____________

Name of parents or guardian ______________

When did you (or your parents) immigrate to the United States? ______________

What city and country did you (or your parents) emigrate from? ______________

How did you hear about this contest (teacher, newspaper, community center)? ______________

در دوران سلطنت تیگران دوّم (در دورهٔ سلطنتی عتیق ارمنستان) به سوریه حمله نمود و به اکره Acreh رسید و ایالت هشمونائیم (مکابی‌ها) را تهدید کرد ولی در اثر حملهٔ رومیان به ارمنستان (۶۹ قبل از میلاد) تیگران مجبور به عقب نشینی از این ناحیه شد ولی به هر حال تعدادی از اسرای یهودی را به ارمنستان آورده (طبق گفته مورّخ ارمنی کورِن).

در دهه‌های ۳۶۰ و ۳۷۰ میلادی شاهپور دوّم (از پارس) به ارمنستان حمله نمود و تعدادی از یهودیان را به پارس (ایران کنونی) تبعید کرد و در نتیجه از تعداد جمعیت یهودی ارمنستان در قرن چهارم کاسته شد. یهودیان معاصر ساکن در ارمنستان تقریباً همگی از اشکنازی‌هایی هستند که در دورهٔ شوروی سوسیالیستی به اینجا آمدند. در ضمن تعدادی نیز از خانواده‌های گرجی می‌باشند.

جمعیت یهودیان ارمنستان در طی دوران‌های مختلف متغیّر بوده است. در قرن بیستم جمعیت تخمینی آنان در ۱۹۵۹ ده هزار نفر بوده است که در اثر مهاجرت به خارج از تعدادشان کاسته شده به طوریکه از ۱۹۸۹ تا کنون ۱۲۴۶ یهودی از ارمنستان به اسرائیل مهاجرت نموده‌اند. طبق گزارش کنگره جهانی یهود تعداد یهودیان ارمنستان بین سالهای ۹۶-۱۹۹۵ حدود سیصد نفر و در سال ۱۹۹۹ صد و ده نفر بوده است.

از نقطه نظر اجتماعی باید گفت که در دورهٔ معبد مقدس دوم رابطه بین یهودیان ارمنستان و یهودیان ساکن در فلسطین برقرار بوده است. در قرون وسطی جهانگردان مجامع کوچک یهودی را در این منطقه بخصوص در نیس بیس Nisbis (جزئی از ارمنستان صغیر) پیدا کردند. سِر جان مندویل Sir. J. Mendevill در سفرنامهٔ خود قید نموده که یهودیان ناحیه خزر تابع و شاخه‌ای از ملکهٔ ارمونی به نام تامارا گرجی (۱۲۱۲-۱۱۸۴) بودند. ولی به طور کلّی ارمنستان در قرون وسطی متشکل از فئودال‌های مسیحی در تحت نظر شاهزاده‌های خارجی بودند و معمولاً یهودیان را مستثنی می‌کردند. با سقوط حکومت شاهنشاهی ارمنستان بسیاری از ارامنه در سی‌لیسی (ایالت بیزانس در آسیای صغیر) حکومت ارمنستان صغیر را تشکیل دادند که بعداً به دست مملوک‌ها از بین رفت (۱۳۷۵ میلادی). در این زمان یهودیان نیز هویت اصلی خود را از دست دادند و قسمتی از آنان در میان یهودیان کرد حل شدند. در جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴) آلمانها طرحی را جهت مستقر ساختن یهودیان لهستانی در این ناحیه بوجود آوردند.

یهودیان از ابتدای سکونت در ارمنستان در امور تجاری دست داشته‌اند. در دورهٔ تیگران دوّم رشد اقتصادی در سرزمین موجب جذب یهودیان به این ناحیه گردید.

از نقطه نظر فرهنگی و مذهبی گفته شده که مطالعات مذهبی و هلاخا در ارمنستان کبیر وجود نداشته است در تلمود از یعقوب ارمنی و مدرسه در نیس بیس و نیز از ارمنستان در ترگوم هگادائی ذکر شده است. (۳) و (۴).

امروزه در یروان (پایتخت) یک خانهٔ نیایش که توسط یک راب ارتودکس اداره می‌شود وجود دارد و مصّا (فطیر) در این محلّ تهیه میشود.

یهودیان ارمنستان در امور خیریه فعّال هستند. در یروان نیز انجمن دوستی ارمنی - یهودی برپاست. ☐

۳ - در تورات از کوه آرارات که قرارگاه کشتی نوح بوده است ذکر شده (ترگوم ارمنستان - آفرینش ۸:۴) همچنین گفته شده که یهودیان پس از ویرانی معبد مقدس اوّل به اینجا آمدند و نفوذ و اثر عمیقی بر فرهنگ و ادب این سرزمین گذاردند. امروزه این سرزمین بین ایران و ترکیه و شوروی سابق تقسیم شده است.

۴ - در ۱۹۹۰ منظومه‌ای که در بازداشتگاه نازی‌ها در زمان هولوکاست تنظیم و نوشته شده بطور غیر مترقبه در ارمنستان منتشر شد. این کتاب بطور پنهانی توسط Dr. Hazhak Guyulnazarian از شهر Calafat (واقع در رومانی) خارج شد. این پزشک به مدت بیست سال این کتاب را نزد خود نگاه داشت و بالاخره توانست نگارنده آنرا پیدا کند.

جمعیت یهودیان ارمنستان در طی دوران‌های مختلف متغیّر بوده است. در قرن بیستم جمعیت تخمینی آنان در ۱۹۵۹ ده هزار نفر بوده است که در اثر مهاجرت به خارج از تعدادشان کاسته شده به طوریکه از ۱۹۸۹ تاکنون ۱۲۴۶ یهودی از ارمنستان به اسرائیل مهاجرت نموده‌اند. طبق گزارش کنگره جهانی یهود تعداد یهودیان ارمنستان بین سالهای ۹۶-۱۹۹۵ حدود سیصد نفر و در سال ۱۹۹۹ صد و ده نفر بوده است.

و نه کنیسائی دارد، یاد کرد. او همچنین از داسان کوچ خود به مکزیک گفت که آغاز آن هنگامی است که آگاه شد که دسته‌ای مکزیکی ادعا می‌کنند که ریشهٔ یهودی دارند.

تاریخ دانان بر این باورند که یهودیان نخستین بار همراه هرناندو کورتز Hernando Cortes، جهانگشای اسپانیائی در سال ۱۵۱۹ به سرزمین مکزیک وارد شدند. آنها Conversos یا نوکیشان نامیده می‌شدند زیرا که از یهودیانی بودند که در آغاز دوره تفتیش عقاید در اسپانیا، در سال ۱۴۹۲، مجبور به ترک یهودیت و گرویدن به مذهب کاتولیک از دیانت مسیحیت شده بودند. برنامهٔ تفتیش عقاید این نوکیشان را حتی تا «دنیای نو» New World، یعنی قاره تازه کشف شده آمریکا، دنبال کرده و آنان را وادار ساخت تا هویت یهودی خود را پنهان دارند. اکنون، پس از چندین سده افرادی در مکزیک و جنوب غربی ایالات متحده با رهبران مذهبی یهودی ارتباط برقرار ساخته و به آنان میگویند که گمان می‌کنند از ریشهٔ آن نوکیشان هستند.

در مکزیک، لرر با کاتولیک‌هائی آشنا شد که سنن خانوادگی‌ای داشتند که خود توجیهی برای آنها نداشتند. حدود ۲۰ سال پیش دسته‌ای از این افراد ربای لرر را به وراکروز دعوت کردند تا برای آنها یک سخنرانی برای آشنائی با یهودیت ترتیب دهد. این سخنرانی به یک رشته کلاسهای هفتگی انجامید که لرر برای حضور در آن می‌بایست چهار ساعت رانندگی کند. دو سال پس از آن تاریخ، لرر نخستین دسته از افراد ساکن شهر وراکروز را به کیش یهود رهنمون شد. و از آن پس، به مدت بیست سال، ربای لرر به طور پیوسته به وراکروز می‌رفت تا تدریس نموده و مراسم گرویدن به کیش یهود و ازدواج و سایر مراسم را انجام دهد.

آری هررا Ari Herrera که از ساکنان وراکروز است می‌گوید که گرویدن او و خانواده‌اش به یهودیت این احساس را به آنها داد که گوئی گمشده‌ای را پیدا کرده‌اند.

البته کمیته مرکزی یهودیان مکزیک - سازمانی که نماینده یهودیان مکزیک است - این نوکیشان را در شمار اعضاء ۴۰،۰۰۰ نفری خود نمی‌داند. موریسیو اورکا، مدیر عامل این سازمان به نماینده ITA، اظهار داشت: «از نظر تاریخی ارتباطی میان این افراد و یهودیانی که همراه کورتز به مکزیک آمدند وجود ندارد». اما وی کمی بعد گفت که به عقید: او مردمی که یهودی به دنیا می‌آیند می‌توانند از نوکیشان یهودی درس بیاموزند. وی ادامه داد: «من به آنانی که به انتخاب خود به یهودیت می‌گروند غبطه می‌خورم. احساس و روح و نیایش آنها باور نکردنی است. آنها با تمامی ذرات وجود خود به نیایش می‌پردازند».

می‌شنیدیم؛ حتی با احساس‌های دیگری حس می‌کردیم. نه تنها احساساتمان متفاوت بود بلکه پرده‌هائی که از درون آن دنیا را می‌نگریستیم نیز متفاوت بود. با مغز دیگری فکر می‌کردیم. تجربیاتمان را طور دیگری تفسیر می‌کردیم. و «ما» می‌بایستی مسیر دیگری به روی زندگیمان برنامه ریزی می‌کردیم.

مقصود از «ما» همه مردم هستند. همین مردم آخرین سال‌های قرن بیستم: مردم دنیای غرب، مردمی که آماده‌اند تا در روی هر فرهنگی در روی زمین تأثیر بگذارند. بنابراین با یک علاقه و احساس عمیق و شدید؛ تمام بشریت؛ در راه رسیدن به این «ما» یعنی به این فرهنگ غرب هستند. و بالاخره بهتر یا بدتر. نقش غرب در تاریخ بشری یگانه است و به همین دلیل - به طور خواهیم دید - نقش یهودیان در تاریخ غرب همچنین یگانه است.

تاریخ آکنده از مثال‌هایی است در رابطه با آنهائی که از دیدن آنچه یهودیان انجام داده‌اند طفره رفته‌اند. این امتناع، یا به خاطر بی بصیرتی روشنفکرانه یا به خاطر تعصب افراطی در وطن پرستی یا نژاد پرستی و یا بیگانه ترسی بوده است. به همین دلیل آنها قادر نبوده‌اند یهودیان را - این تبار عجیب را، این نژاد سرگردان را، این اجداد دنیای غرب را، به طور واقعی ببینند و بشناسند.

به علاوه در پایانه این خونبارترین قرن ما لازم است نگاهی به گذشته بیافکنیم و با وضوح صحنه‌های وحشتناک و غیر قابل تصور جنایت را علیه آنان ببینیم. عکس‌العمل‌هایی را که در برابر هدایایشان نصیبشان شده است!

اما من می‌خواهم از خوانندگانم درخواست کنم نه تنها وحشت‌های تاریخی مدرن قرون وسطی و قدیمی را از ذهن‌هایشان پاک کنند بلکه می‌خواهم هر ادراک تاریخی دیگر را هم نیز از ذهن‌هایشان دور کنند و مخصوصاً ما باید تصوراتی که طبق آن دنیایمان ساخته شده - دنیای عقل و احساسی - را از فکرمان دور کنیم. و حالا دوباره زندگی بشر اولیه را در موقعی که در روی زمین می‌گذرانید تصور کنیم قبل از اینکه اولین کلمات بایبل نوشته شده بود، قبل از اینکه گفته شده بود، و حتی قبل از اینکه به تصور در آمده بود.

ظهور نخستین انسان تکامل یافته پدیده عجیبی بود که در سطح کره زمین اتفاق افتاد.

این انسانها نیز همچون اجدادشان برای ادامهٔ حیاتشان با مشکلات بی پایانی درگیر بودند.

آنها در تیررس خطر بودند بدون اینکه حالا دیگر پوست قوی و کلفت و یا چنگال قومی داشته باشند. زندگی آنها محدود شده در جنگل‌ها و پناه درختان. حرکت آنها به سوی دشت‌های بی درخت برای زندگی تازه و غذا و طعمه این خطر را داشت که خود طعمه حیوانات شوند. علاوه بر این اینان احتیاج به مراقبت و آموزش بیشتری داشتند و نیاز طولانی‌تری به مادران خود داشتند.

بدون برنامه ریزی، بدون دوراندیشی و احتیاط و بدون گسترش استراتژی‌های دراز مدت پیچیده امکان بقای انسان‌های جدید ناممکن بود.

انسانهای جدید موفق به نوآوری‌ها و کشفیاتی شدند که به ادامه زندگی و موفقیت آنها کمک کرد.

آنها به چیزهای خارق‌العاده و هرگز نبوده‌ای دسترسی یافتند. آنها ابزار و آتش را کشف کردند. بعداً کشاورزی و استفاده از حیوانات بارکش را آموختند و بعد به آبیاری و چرخ پی بردند. اما چیزی که عجیب بود هیچکدام از این کارهایشان را نوآوری نمی‌پنداشتند. آنها این کشفیات را هدایایی می‌دانستند که از ماورای عالم به آنها رسیده است و آنها را قسمتی از ابدیت تصور می‌کردند.

بدون برنامه ریزی، بدون دوراندیشی و احتیاط و بدون گسترش استراتژی‌های دراز مدت پیچیده امکان بقای انسان‌های جدید ناممکن بود.

مدارک گواهی می‌دهند که همه ایده‌ها و همه مذاهب به این باور بودند که حرکت جهان دورانی است و یک دایره بسته است. پیشرفت و تکامل تصوراتی که انسانهای جدید داشتند نیز در اساس با تصورات اجتماعات قبلی چندان فرقی نداشت.

به طوری که هنری چارل پوس می‌گوید عقیده همیشگی آنها این بود که: «هر رویدادی در گذشته به صورت قانونی ثابت و تغییر ناپذیری ظاهر شده و در حال حاضر نیز به همان صورت ادامه دارد و در آینده نیز مداومت خواهد داشت. در هر دوری از دایره همه چیز بی کم و کاست تکرار خواهد شد».

یهودیان نخستین انسانهایی بودند که این بن‌بست را - این دایره بسته را - در هم کوبیدند و راه تازه تجربه و تفکر را یافتند: راه تازه احساس و ادراکِ دنیا را به دست آوردند و ما اگر اندکی عدالت داشته باشیم بایستی بگوییم که این هدیه‌شان تنها و نخستین هدیه‌ایست که نوع بشر تا آن زمان دریافت کرده بوده است.

ادامه دارد

کارهای پژوهشی احراز نموده بطوریکه شماری از باورهای قوم یهود را برگرفته از اقوام کنعانی دانسته اند — این ماجرا خود سری دراز دارد و احتمالاً بسیاری از خوانندگان سنتگرا که دنبال «اصالت» میگردند روی خوشی به قرائت اینگونه مطالب پژوهشی نخواهند داشت.

افزون بر آنچه در بالا گفته شد، استقرار نهایی عاری از جنگ ها و زدوخورد های خانوادگی میان قبایل بنی اسرائیل نبود، و نوشته های تَنَخ، بخصوص کتب داوران و شموئل، بازگو کننده این نزاع های داخلی اند. ضمناً عاملی دیگر دشواری های فراوانی در برابر استقرار قبایل بنی اسرائیل قرار داد و آن ظهور پلشطی ها بود که ابتدا نواحی ساحلی و سپس دشت و دره و کوه های بسیاری از سرزمین اسرائیل را مورد تاخت و تاز قرار داده و ایجاد وحشت نمودند. اینها، که اغلب از جزایر دریای مدیترانه به این سوی خاور میانه رخنه نموده بودند، آرامش نسبی مردم این سرزمین را در دوره داوران به اضطراب ودلهره تبدیل کردند. داوران که هم داور و هم اغلب جنگاور بودند نتوانستند در برابر آنها ایستادگی نمایند. این برخورد با دشمن قدرتمند خارجی موجب گردید که اسباط اسرائیل زد و خورد های داخلی را به کنار نهند و برای دفع خطری که با حیات و ممات آنها بستگی داشت وحدتی تحت فرمانروایی یک شخصیت مرکزی به وجود آوردند. پادشاهی شائول، نخستین شاه اسرائیل (شاهی ۱۰۲۹ - ۱۰۰۵ ق م)، نتیجه این روند تاریخی بود. شائول، که خود از افراد قبیله بنیامین بود، در جنگ با پلشطی ها کشته شد؛ و بالاخره این داود، چوپان بیت الحمی از قبیله یهودا و دومین پادشاه اسرائیل (شاهی تقریباً ۱۰۱۰ - ۹۷۰ ق م) بود که آنها را تار و مار کرد.

در اینجا، با یک احتیاط پژوهشی میتوان ادعا کرد که این خطر خارجی بود که قبایل پراکنده و درهم برهم بنی اسرائیل را، **که هنوز یکتا پرستی آنها شکل نهایی بخود نگرفته بود،** وادار به وحدت کرده و سپس به مرور زمان ویژگی های تکون ابتدایی یک ملت واحد را در میان آنها به وجود آورد. ولی آنچه این تکون ابتدایی را به ایستگاه پایانی رسانید و از قبیله ها ملتی واحد ساخت، فشار دربدری و آوارگی و نیز تماس با فرهنگ سیاسی و مدنی آنها با «بیگانگان» در اسارت آشور و بابل بود که بحث در باره آن ارتباطی مستقیم با این سلسله مقالات ندارد.

از میان پژوهش های دیگر که گمان میبرم ایرانی زادگان علاقمند به دانستن آن باشند با **کتاب إشعیا** بستگی دارد. محتوای این کتاب رویدادهای میانه قرن هشتم تا میانه قرن ششم را در بر میگیرد. بدیهی است، پژوهندگان نمی توانند بپذیرند که کسی بنام إشعیا، که احتمالاً در سال ۷۵۰ قبل از میلاد زنده بوده، مطالبی را تا سال ۵۵۰ (یعنی دویست سال) نوشته است. پس لااقل سه فرد متفاوت در سه دوره متفاوت میبایست این کتاب را نوشته باشند که پژوهندگان آنها را إشعیای اول (بن آموص)، دوم و سوم میخوانند.[۴] واین إشعیای دوم است که مورد توجه ماست چون اوست که از کوروش شاه ایران (شاهی ۵۵۹ - ۵۲۹) نام میبرد و وی را «مسیح خدا» میخواند. بنا بر این، این إشعیا آن أشعیای بن آموص نیست، بلکه کسی است که فصل های چهلم به بعد را نوشته است.[۵]

موضوع جالب دیگر در این بخش، که پژوهندگان آن را به إشعیای دوم نسبت میدهند، آیات ششم و هفتم از فصل چهل و پنجم است. این آیات درد سر فراوانی برای مفسرین ایجاد نموده، چون این پیامبر نه تنها آفرینش پدیده های خوب جهان را به خداوند نسبت میدهد، بلکه همان خدا را خالق همهٔ بدیها و زشتی های جهان معرفی میکند.[۶] خوب توجه کنید: «من یهوه هستم و غیر از من خدایی دیگر وجود ندارد؛ من کمر ترا بستم هنگامی که مرا نشناختی. تا از مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوای من احدی نیست؛ من یهوه هستم و دیگری نیست. יוצר אור ובורא חושך, עושה שלום ובורא רע, אני יהוה עושה כל אלה پدید آورنده روشنایی و آفریننده تاریکی، صانع صلح و سلامت و آفریننده بدی، من یهوه صانع همهٔ این چیزها هستم.»

تردیدی نیست که این إشعیا سر بحث و جدل با پیروان آیین مزدیسنا داشته است. او میداند که مزدا پرستان ایرانی، از جمله کوروش، اهورا مزدا را آفریننده همهٔ خوبی ها و اهریمن را آفریننده همه بدی ها میشناسند. این ثنویت الهی برای إشعیا شگفت آور است، که چگونه دو هستی الهی در کنار هم قرار گرفته اند، و اهورا مزدا قادر نیست اهریمن را از دایره خلاقیت بدیها دور کند و خود به تنهایی فاعل ما یشاء و صانع همه چیزها باشد.

طبق تلمود (ببا بترا، فوق الذکر) آخرین کتاب از مجموعه بیست و چهار گانه تَنَخ در دورهٔ عزرا سوفر (تقریباً ۴۵۰ ق م) نوشته و تدوین گردیده و پس از آن چیزی بر تنخ نه افزوده و نه کاسته شده است. یوسفوس فلاویوس (۳۷ - ۱۰۰ میلادی)،[۷] مورخ نامدار یهودی، هم همین عقیده را دنبال میکند. بنا براین، بهترین راه برای رسیدن یا نزدیک شدن به حقیقت بررسی خودِ کتابهای تنخ و آوردن شواهد از درون آنهاست.

در فصل نهم **کتاب زکریا** این پیامبر خدا سخنانی را به عنوان

آورده (سال ۱۳۲ ق م)، چنین استنباط میشود که تدوین تنخ لااقل تا سال اخیر الذکر هنوز به ایستگاه پایانی خود نرسیده بود. این نوع استنباطات در مورد کند و کاو کتب جامعه (قُهِلت)، سرود سرودها (غزل غزلها)، امثال سلیمان، مزامیر داود، استر، ایوب و غیرهم[۱۲] بدست آمده که ارجاع به تمام آنها، ولو به اختصار، این سلسله مقالات را به کتابی قطور تبدیل خواهد نمود. تردیدی ندارم که خواننده علاقمند، با مطالعه کتب مندرج در کتابنامه (مقالهٔ آینده) و نیز بسیاری از نوشته ها که در کتابنامه نیامده است، به گستره دانش بدون تعصب خود در این زمینه وسعت بیشتری خواهد بخشید. نگارنده کاری به معتقدات خواننده ندارد.

در هر حال، پرسش نهایی اگر این باشد: پس، اسفار بیست و چهار گانهٔ تنخ در چه زمانی شکل مدون و نهایی امروزی را بخود گرفته اند، پاسخ اغلب پژوهندگان اینست که کم و بیش دور و بر سال هفتاد میلادی، زمان ویرانی معبد دوم و انتقال سنهدرین(مجمع علمای یهود) تحت ریاست ربان یوحانان بن زکای از اورشلیم به شهر یَبْنِه Yavneh. (ادامه دارد)

تون به زبان مصری باستان یعنی ماهی و او بخاطر تولدش و تولد اجدادش در مصر چنین نامگذاری شده است. ضمناً، مُشه نیز یک نام مصریِ است که احتمالاً ریشه یابی آن در توراة به صورت نادرست «از آب بیرون کشده شده» تعبیر گردیده است (خروج فصل دوم، آیه ۱۰). آنانی که در زبان مصری باستان واردند «مُشه» را از ترکیب دو واژه میدانند و آن را با ریشه نام رعمسس «مس» (به معنای زاده) همخوانی میدهند. آنانی که به دو زبان باستانی آکادی و مصری آشنایی دارند میدانند که حرف سین مصری به شین آکادی تبدیل گردیده است (و لازم به تذکر است که توراة بیشتر در یک جوّ فرهنگی ماوراء نهری، یعنی آکادی - بابلی، نضج و تکون یافته است). در هر حال، این مساله هنوز به حل نهایی خود نرسیده است. همچنین نک به: J. G. Griffiths, The Egyptian Drivation of the Name Moses, *Journal of Near Eastern Studies*, XII (1953).

۲ از اینکه خاندان حضرت یوسف (منشه و افرایم) بخش بزرگی از سرزمین ها را در اختیار خود قرار دادند توجه پژوهندگان را بخود جلب کرده ــ به ویژه اینکه شخص یهوشوع خود از تبار افرایم بود و افرایم زادگان، نسبت به سایر اسباط، قدرت زیادی بدست آوردند بطوریکه نه تنها شهر شیلوه واقع در سرزمین خود را از لحاظ دینی و مدنی مرکزیت دادند، بلکه پس از فوت حضرت سلیمان عامل اصلی جدا سازی سرزمین های ده قبیله دیگر و تأسیس مملکت اسرائیل در مقابل مملکت یهودا گردیدند. در مورد شیلوه ر ک به مقاله Haran در کتابنامه (مقالهٔ آینده).

۳ در مقالات پیشین هم از ایاربانل نام بردیم و هم به زمان و نحوه نگارش کتاب یهوشوع به اختصار اشاره نمودیم.

۴ در واقع اسامی دقیق دوم و سوم معلوم نیست، ناگزیر آنان را هم به همین نام (اِشعیا) خوانده اند.

۵ این نیز لازم است گفته شود، که قدیمی ترین نسخه خطی که کشف گردیده، بخش های مربوط به کوروش را ندارد.

۶ در حدود ۱۲ سال پیش (تابستان ۱۹۹۱) در یک مجلس سوگواری در لس آنجلس هنگام عربیت (نیایش عصر) این موضوع را با شادروان الیاهو قدسیان و جناب حاخام یدیدیا شوفط יבל״א در میان گذاشتم و بحث جالبی داشتیم.

۷ آخرین کتاب او به زبان یونانی احتمالاً در سال ۹۰ میلادی نوشته شده است.

۸ شکل گیری داستانهای مربوط به ظهور ماشیح از همین جا (و جاهای مشابه دیگر) سرچشمه میگیرد.

۹ زه و تیر کمان تشبیهات جالبی است که نویسنده آنها را نسبت به دو سبط نیرومند (یهودا و افرایم) علیه قوای بیگانه (یونان) بکار میبرد.

۱۰ «باد های اربعه آسمان» اصطلاحی است در عبری به معنای چهار جهت دنیا (شمال، جنوب، مشرق و مغرب).

۱۱ در تاریخ از هفت زن بنام کلئوپاتر نام برده شده و در اینجا مقصود آن کلئوپاتر (هفتم) تاریخی نیست که با زیبایی خیره کننده اش قیصر روم (آنتونیوس) را شیفته خود ساخته بود (سالهای نخست میلادی). در بارهٔ کلئوپاتر هفتم بود که نویسنده مشهور فرانسوی، پاسکال، در کتاب معروف خود «افکار Pensèes» نوشت: اگر بینی کلئوپاتر کوتاه تر بود، قیافه دنیا عوض میشد». و نیز توجه کنید به واژه های یونانی «پسنترین psanterin» و «سومپونیا sumponia» در فصل سوم آیه ۵ که با موسیقی symphonia , psalterion ارتباط دارد.

۱۲ لازم به تذکر است که علمای سنهدرین با قرار گیری اغلب این کتب، بخصوص کتاب استر، در تنخ مخالف بودند. اغلب این کتابها، به ویژه آنهایی را که به سلیمان نسبت داده اند، با ادبیات باستانی شومر و مصر مقایسه گردیده و نتایج پژوهشی آموزنده ای بدست آمده که یادآوری یکایک آنها از حوصله این مختصر بیرون است. و اما قید یک مطلبِ شگفت آور لازم می نماید. چند تن از تنائیم (ربان های دورهٔ میشنا) در بارهٔ اینگونه کتاب ها، به ویژه دو کتاب زیر، گفته اند: سرود سرود ها و قُهلت دست ها را نجس میکنند שיר השירים וקוהלת מטמאין את הידיים (رسالهٔ یادییم (دستها) در میشنا، فصل سوم، هلاخای پنجم).

«خوره نوریست که از ذات خداوندی ساطع می گردد و بدان مردم بر یکدیگر ریاست یابند و بمعنویت آن هر یک بر عملی و صناعتی ممکن گردد.» [4]

مفهوم واژهٔ فرّه در شاهنامهٔ فردوسی:

مفهوم واژه فرّه در فارسی نو و منابع ایران اسلامی، بخصوص شاهنامه پای از محدودهٔ مفهوم فرّهٔ قبل از اسلام فراتر نهاده است و به این مفهوم انشعاب گسترده تری داده شده است. واژهٔ فرّه در شاهنامهٔ فردوسی، به معنی جلال و شکوه، موهبتی است خدائی که گاهی بصورت نور از چهرهٔ پادشاهان و موبدان و پهلوانان میتابد و زمانی بصورت نیروئی در بازوان رستم و لحظه ای به شکل یک اندیشهٔ خدائی در پیدا کردن رازهای سر بستهٔ دنیای زندگی انسانها جلوه میکند. این موهبت که تجلّی گاه آن انسان و گاهی «موجودات دیگر» میباشد همواره با عظمت، شکوه، آئین، شرف و وقار بوده از صفت زیبائی برخوردار است. [5]

مفهوم واژهٔ فرّه در ادبیات فارسیهود:

در ادبیات فارسیهود که شاخه ای از ادبیات فارسی نو میباشد این واژه کاملاً به مفهوم فرّهٔ بعد از اسلام بکار رفته است و مصرف کنندگان آن بدون آگاهی از بار اسطوره ای و زرتشتی آن با مصرف واژهٔ فرّه به معنای «التفات الهی» بار جدیدتری را بر مفهوم این واژه افزوده اند. [6]

مفهوم « التفات الهی» :

ریشهٔ مفهوم « التفات الهی» در تورات در عهد عتیق مبتنی بر توجه ذات پروردگار به تمام مخلوقات خود میباشد. [7] این توجه الهی که دارای دو جنبه «کنترل» و «محافظت»میباشد از طریق وحی و بصورت میثاق بوسیله پیامبران به کلیه افراد بشر فرستاده شده است. [8]

ابن میمون در قرون وسطی دو جنبه متفاوت مفهوم « التفات الهی» را که در تلمود بسیار مورد بحث قرار گرفته است با مصرف دو واژه عربی «تدبیر» و «عنایت» توجیه مینماید. [9] این دو کلمه بعداً در زبان عبری بترتیب به دو واژهٔ *hanhagah* بمعنی فرمانروایی و *hashgahah* بمعنی مراقبت کردن ترجمه شده است. [10]. جنبهٔ « تدبیر» که تکیه بر "حکومت و کنترل" دارد نمودار التفات جهانی و همگانی ذات پروردگار بر تمام افراد بشر می باشد. این التفات به گونه ایست که افراد و ملل شرور و گناهکار نیز از آن محروم نمی باشند. در حالیکه جنبه «عنایت» ، که به عبری گاهی با واژهٔ *shemirah* به معنی محافظت کردن نیز توصیف شده است، حکایت از "نگهداری و حفاظت" جهان می کند. [11] این جنبه از التفات در حالیکه گویای مرحمت و حمایت الهی می باشد یک نوع حالت بازرسیِ اعمال افراد را نیز در بردارد.

ترکیب مفهوم فرّه و فروهر در مقابل« التفات الهی»:

باید یادآور شد که ، در مقایسه دو مفهوم فرّه و التفات الهی ، نقش عوامل قدرتمند و نامرئی دیگری قابل توجه است. این عوامل در اوستا «فروشی» *(frawashis)* و در فارسیِ نو فروهرها و یا فریورها خوانده می شوند. در فروردین یشت (یشت ۱۳ : ۱و ۲) فروهرها به عنوان دارندگان فرّه ، ارواح محافظی هستند که مددکار خالق جهان بوده حامی و راهنمای تمام موجودات درستکارِ خاکی از قبل از تولد، طی دوران زندگانی و همچنین بعد از مرگ می باشند. [12] در این مورد در اوستا اهورامزدا به اسپنتمان زرتشت می گوید:

> " اینک ترا براستی ای اسپنتمان از زور و نیرو و فرّ و یاری و پشتیبانی فروهرهای توانای پیروزمند پاکان آگاه سازم که چگونه فروهرهای توانای پاکان بیاری من آمدند و چگونه آنها مرا امداد نمودند.»
> (فروردین یشت: ۱) . [13]

مفهوم ایرانی فروهرها در خرده اوستا شباهت زیادی به پیتراهای هندی *(pitras)* دارد. این مفهوم امروزه اختصاص به "ارواح گذشتگان" داشته که در مقابل عبادت پاکان پاسدار آنان می باشد. [14] بنابراین توصیف



زن ذلیل

م. موسوی

همسر من موجود جالبی است که شاید کمتر نظیر او دیده شود. بیست و شش سال پیش او را در یکی از دهات جنوب ایران دیدم دختری محجوب و آرام و متین که خود را زیر چادر سیاه و ضخیم پوشانده بود و فقط چشمانش دیده می‌شد. از او خوشم آمد آنچنان که تصمیم به ازدواج گرفتم. مادر و دوستان نزدیکم با این ازدواج مخالف بودند و می‌گفتند او و خانواده اُصلَش به دردم نمی‌خورند. یکی از بهترین دوستانم می‌گفت: تو با تحصیل و تجربه‌ات نمی‌توانی با او و خانواده‌اش که در عصر حجر زندگی می‌کنند ارتباط فکری داشته باشی، گفتم مانعی ندارد، اکثر دوستانم که با دختران امروزی ازدواج کرده‌اند دچار گرفتاری و ناراحتی شده و از زندگی زناشویی ناراضی‌اند، شاید این دختران چشم و گوش بسته ده زنان ایده‌آل برای ازدواج باشند. من علیرغم اندرزهای فامیل و دوستان دوشیزه سکینه سادات پشت کوهی را با یک جلد کلام‌الله مجید و چند سکه طلا و یک شاخه نبات در مراسمی بسیار ساده به عقد خود در آوردم. پدر او کربلایی ابوالفضل و مادرش مشهدی کلثوم در پوست نمی‌گنجیدند و خود دختر هم بسیار خوشحال بود. من او را به تهران آوردم و آداب زندگی امروزی و شیوه معاشرت در شهر را به تدریج به او یاد دادم. لباس‌های خوب برایش خریدم، از او خواستم که چادرش را بردارد و همانند سایر زنان جوان شهر زندگی کند و چون بیش از چند کلاس درس نخوانده بود به او کمک کردم که دیپلمی بگیرد و چیزی بیاموزد. بعد از چند سال زندگی در تهران از طرف وزارت خانه برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شدم. در اینجا به سکینه سادات انگلیسی آموختم و به او یاد دادم که از تمدن این دیار خوشه چیند و از نکات خوب آن بهره گیرد. حضرت علیه در برخورداری از تمدن دنیای غرب یک شبه ره صد ساله رفته است. اسم خود را به سوسو تغییر داده و اغلب در مکالمات فارسی واژه‌های انگلیسی بکار می‌برد، به سلامت و رژیم غذایی خود آنقدر پای‌بند است که حدی ندارد. از آشپزی پرهیز دارد، ظرف نمی‌شوید، می‌گوید آشپزی دون شأن زن است و ظرفشویی پوست نازنیش را خراب می‌کند. مرتباً به کلاس اروبیک می‌رود، لباس‌های گران قیمت می‌پوشد، خود را چون دختران نوجوان آمریکایی می‌آراید. دست به سیاه و سفید نمی‌زند. همیشه با متخصص پوست مشورت می‌کند. به رقص و پایکوبی علاقه فراوان دارد. گاهگاه جین تونیک و مارتینی میل می‌فرماید و پکی به سیگار می‌زند. دیوارهای منزل را از عکس‌های هنرپیشگان آراسته است و همواره درباره آنان داد سخن می‌دهد و می‌گوید اگر در آمریکا به دنیا آمده بود امروز جزو هنرپیشگان مشهور این دیار بود! این روزها مرتب تمرین آواز می‌کند و برای فراگیری گیتار به کلاس می‌رود، گویا یکی از هم کلاسی‌های ایشان که اهل کنگو است به او گفته که صدای قشنگی دارد! سوسو خانم الان جزو شیک‌ترین خانم‌هاست. در محافل و مجالس همه چشم‌ها به او دوخته می‌شود و او با ادای خاص خود از سیل خواستگاران قبل از ازدواجش داد سخن می‌دهد و مناصب و مشاغل و دارایی بی حساب آنان را به رخ مردم می‌کشد. طبیعی است حضرت علیه با چنین اوصافی دیگر حقیر را قبول ندارد. مدام به ریخت و لباسم ایراد می‌گیرد، مرا امل و بی عرضه می‌خواند و می‌گوید لایق همسری افرادی چون پل نیومن و جان تراولتا و سایر هنرپیشگان طراز اول سینماست! علاوه بر کار و تحصیل درآمد، خانه‌داری، آشپزی، ظرفشویی و حتی بچه‌داری هم به عهده حقیر است! و من مأمور خرج کردن و اجرای دستورات ایشانم! حضرت علیه سوسو هر روز تا ساعت دوازده خوابند، ساعت یک با سگ

جناب آقای یوسف سیانی، در نوشتار بحث آزاد مرقوم داشته‌اید که «بیت همیقداش را فقط و فقط به خاطر دشمنی و نفاق بین یهودیان بود که خراب شد». متأسفانه باز هم این مسئله ساخته و پرداخته همین جنابان ربایان است. زیرا در نوشتار تحقیقی استاد فاضل آقای امنون نتصر همان شماره چشم انداز صفحهٔ ۴۱ می‌نویسند: «نتیجه دسیسه و بقول ایشان پارتی بازی یوشیا و کاهنان دربار اوست» رجوع شود به ستون دوم بالای صحفه که باز مرقوم می‌دارند: «این رفتار یوشیا...(تا) بی تأثیر نبوده است» و زیر همان ستون نوشته‌اند: «نویسنده سه کس را در تعریف و تمجید در رأس قرار داده (حضرت موسی، داود و یوشیا) قوانین را که دلخواه کاهنان بوده، به نام خداوند و به نام سرور انبیا در سِفِر تثنیه نوشته‌اند...بسیار آموزنده و جالب.

ولی آنچه نویسنده از تاریخ پادشاهان نتیجه می‌گیرد، اینکه خداوند با ساختار حکومت شاهی موافق نیست (کتاب شموئل) وقتی مردم به پیش شموئل رفتند و گفتند چون پسران تو راه تو را دنبال نکردند (حکومت داوران) بنابراین بلند شو و برای ما شاه انتخاب کن...شموئل پس از راز و نیاز با خدا...خدا به او الهام می‌داردکه شموئل گوش نیوش به حرفهای مردم بدار ولی به ایشان بگو و گوشزد نما که شاه زنهای شما را به کلفتی وامیدارد و مردان را به سربازی زیر فرمان خود و ده درصد از سود شما را برای خود نگه میدارد...و شموئل شائول را انتخاب کرد. پس از شائول داود و پس از او سلیمان شاه شدند. سلیمان با وجود عقل و درایت ولی از نظر کشورداری و آتیه نگری به بیراهه رفت و با ساختن معبد که با پول بیوه زنان و یتیمان و مالیات زیادتر شهرهای شمال که آنرا دو برابر نمود، اقتصاد مملکت را فدای ساختن بیت همیقداش نمود. بالنتیجه با روش بد اقتصادی او و بعد از مرگش مملکت دو پارچه شد. ایسرائل و یهودا. و بعد در اثر بی لیاقتی پادشاهان و جنگ داخلی قوای ایسرائل از بین رفت و نتیجه حمله آشور و بعد بخت‌النصر و خرابی معبد پیش آمد. معبد اگر واقعاً از روی اصول مردمی ساخته شده بود بایستی در این مدت دراز ۲۵۰۰۰ سال شاید دوباره ساخته می‌شد. بنابراین باز شاید خواست خداست که ساخته نشود.

نیویورک - مهندس امیر شوشانی

جناب آقای داریوش فاخری عزیز و مبارز، پس از درود فراوان و سپاس از خدمات فرهنگی شما و همکارانتان اینجانب در شرق آمریکا فعالیت صیونیستی دارم و مفتخر به عرض سرکار برسانم در این مورد موفق گردیدم برنامه تلویزیونی **پیغام به دنیا** را که توسط ۲ فلسطینی به نامهای اشرف و عثمان هر شب به وقت ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر به وقت نیویورک به مدت ۲ ساعت پخش می‌شود را با تماس گرفتن چندین مرتبه با تلفن برای همیشه قطع نمایم ۲ نفر نامبرده همیشه عکسهای بزرگی از ساختمان مسجد عمر و ال اقصیٰ را که در پشت سر آنان بود نشان می‌دادند و اعلام می‌کردند فلسطین اشغال شده یک شب تلفنی به آنها تذکر دادم در قسمت جنوبی این ۲ مسجد قسمتی از دیوار معبد حضرت سلیمان وجود دارد و اسلام متجاوز با تصرف شهر اورشلیم معبد مقدس حضرت را منهدم و بر ویرانه‌های آن ۲ مسجد بنا نموده یکی از آنان پس از مکث کردن با لبخند احمقانه‌ای پاسخ داد تو صیونیست هستی جواب دادم افتخار می‌کنم بلافاصله صدای مرا قطع نمودند به مدت یک هفته هر شب تماس تلفنی گرفته گفتم دنیا منتظر پاسخ شما هستند تا این که پس از یک هفته دیگر تصویر ۲ مسجد را نشان نمی‌دهند و در مقابل تصویر ۲ مسجد پرده کشیده‌اند. بنده از دوران جوانی طرفدار جدی نهضت صیونیزم بوده و تا آخرین لحظه عمرم از این نهضت بشر دوستانه دفاع می‌نمایم. ۲۵ سال قبل که از ایران فرار کردم از رادیو رژیم اسلامی در آلمان حکم اعدام غیابی خود را به عنوان جاسوس صیونیست شنیدم. اخیراً که زلزله بم حادث گردید و بعضی از همکیشان ما به تلویزیون‌ها و رادیوهای لوس‌آنجلس تماس میگیرند و می‌گویند در حالی که حاکم‌های کنونی ایران تا به حال صدها میلیون دلار ثروت ملّی ایرانیان را به فلسطینی‌ها داده‌اند چگونه است که فلسطینی‌ها حاضر نیستند صد دلار به زلزله زدگان بم پرداخت یا حتی تسلیت بگویند بنده به خاطر دارم در زمان شاه که زلزله قزوین حادث شد چون فصل پاییز و فرا رسیدن زمستان نزدیک بود رژیم سلطنتی بازسازی این شهر زلزله وارد شده را به مناقصه بین‌المللی گذارد شرکت سولل بُنِه ایسرائلی برنده جایزه شد ظرف مدت کوتاهی با تکنیک جدید خود صدها خانه بتونی و هم چنین چندین درمانگاه و حتی مسجد ساختند با آب و برق یک روز جمعه یک آخوند قشری در یک مسجد نعره زد: ای مسلمانان شما دارید با خدا جنگ می‌نمایید این آخوند تفاله عرب گفت بروید توالت‌های خود را ببینید که اسرائیلی‌های کافر به طرف قبله ساخته‌اند. ظرف مدت کوتاهی این مردم اسلام زده با بولدزر و وسائل دیگر چندین صد دستگاه خانه را ویران نمودند. مسئولین شرکت سولل بُنِه مراتب را به دولت اسرائیل گزارش نمودند که آنها متوجه شدند با چگونه مردمی مواجه هستند. منظور غائی رژیم آخوندی به دسترسی انرژی اتمی مصلح شدن به بمب اتمی است چون ۵۵ سال آیات قرآن زیر سؤال قرار گرفته.

منشه خلیلی

SIAMAK-Eretz Cultural Center Celebrates Israel's Birthday With

Casino Night!

THE BIG SHINDIG...

With the recent merger of the International Judea Foundation (SIAMAK) and the Eretz Cultural Center, the new organization will be celebrating Israel's independence with its 1st Annual Casino Night this coming May. Southern California's young Jewish professionals will gather for this special black tie event to eat, drink, and be merry in honor of Israel. As they sip their cool martinis, those celebrating will enjoy the hip sounds of Frank Sinatra in a classic Casino-style setting and tempting lady lucky at the gambling tables. Uniquely sheik prizes will also be available for bidding during the evening's swanky Silent Auction. And if the merriment isn't enough for you daddy-oh... SIAMAK will be welcoming a few surprise supporters of Israel to share their special connection to the holyland.

YOU PARTY AND ISRAEL BENEFITS...

As the economic situation in Israel has deteriorated over the last several years, "Pitchon-Lev" (the Open Your Heart Foundation) has been at the forefront of aiding the thousands of Israelis living under the poverty line. Operating as a non-profit charitable umbrella organization in Israel since 1998, Pitchon-Lev has been providing food, clothing, supplies, and other life's necessities to approximately 100,000 people in Israel every year. Likewise they have furnished medical, legal, and emotional assistance to Israel's underprivileged and elderly. More importantly, Pitchon-Lev offers its recipients of aid educational training at their college in order to empower Israelis to rejoin the workforce with new skills. According to a poverty report released last October by Israel's National Insurance Institute, more than 1.3 million people were living under the poverty line in Israel last year and approximately 600,000 of these individuals were children. In the last two years SIAMAK has raised close to $50,000 on behalf of Pitchon-Lev and this year we have decided to donate all proceeds from our Annual Israel Independence celebration to Pitchon-Lev. So while party goers will be celebrating Israel's establishment with us this year, they will have also made the lives of their fellow Jews a little brighter in Israel.

HOW YOU CAN MAKE ALL THE DIFFERENCE...

Even though ticket sales for this joyous event will directly be given to Pitchon-Lev, we at SIAMAK with the generous support of the greater Jewish community here in Southern California would like to make a much more significant impact on behalf of Israel. We are welcoming donations from prominent community business leaders who may wish to sponsor our Casino Night. Sponsorship of this evening's event provides an excellent opportunity for many of us successful professionals to demonstrate our solidarity with Israel during these trying times. Our efforts will also be directed at getting the utmost exposure in the Jewish community and the mainstream media to demonstrate our strong stance behind Israel.

All donors and sponsors of SIAMAK's Casino Night will receive honorable recognition at the event as well as notoriety in SIAMAK's monthly magazine, "Chashm Andaaz" (The Iranian Jewish Chronicle). Sponsors contributing $500 or more will receive the following special acclaim in appreciation for their generous donations:

*** An announcement of the special contribution at the evening's event as well as a business or personal ad in the pamphlet handed out at the event.**

*** An announcement of the special contribution and business ad in SIAMAK's "Chashm Andaaz" monthly magazine (circulation approx. 3,000 households locally).**

*** Two (2) complimentary tickets to SIAMAK's Casino Night at Eretz Cultural Center.Be There Or Be Square Baby...**

Join us in our glamorous night to remember in honor of Israel and benefiting Israel.

Saturday, May 1, 2004 at 8 p.m. • Eretz Cultural Center

who engage in profit-making activity have formed a partnership. No paperwork needs to be filled out—it's just the nature of the business that lends itself to be called a partnership. Sexy new types of partnerships have emerged lately including the limited liability partnership (LLP) and the limited partnership. Without engaging in a law school class on LLPs, they are essentially partnerships where the partners are not liable for the partnership's debts. An LP is a partnership as well, with one "general" partner who is liable for all the debts of the partnership, and "limited" partners who are not liable.

CORPORATIONS

Lastly, there is the corporation. A corporation is a business, separate and apart from its owners, that engages in business for its own sake. Unlike a sole-proprietorship where a person is the owner of the business, the corporation has no owner. It is an "entity" all by itself, whereas the business and the owner are one entity in the sole-proprietorship context. Corporations are created when a set of articles of incorporation, a written set of rules that govern the corporation, are filed with the Secretary of State. Next, directors are appointed to a board, and these directors will manage and make the most important decisions for the corporation. And since the corporation needs cash to do its business, shares (of "ownership" or "equity") in the corporation will be sold to investors in exchange for cash. These investors now become shareholders in the corporation and are entitled to share in the profits of the corporation, according to their respective percentages of shares owned. After the initial appointment of directors, shareholders are entitled to elect new directors. With this election power, shareholders ultimately manage the corporation through their power to change the directors of the corporation. The board of directors may select officers and hire employees. Officers include positions such as president, chief executive officer (CEO) and the chief financial officer (CFO), to name a few. Of course, one person may serve in more than one position. In fact, many of the small businesses that incorporate have one person serving multiple positions. Either one person may own all the shares of the corporation (the "sole shareholder") or the shares may be held by people who have never met each other. Publicly-held corporations are corporations who have followed certain legal rules in order for their shares to be exchanged on markets such as the New York Stock Exchange—they are publicly held because the public holds the shares of the corporation. Of course, in the small "closely-held" corporation, such as the local sabziforooshi, the owner of the business, who formerly owned the sabziforooshi as a sole proprietor, will now own 100% of the shares in the corporation and will probably serve as a director, CEO and CFO, president and any other officership he'd like to create. He will also probably be the only employee of the corporation.

CORPORATIONS IN THE LAW'S EYES

Although the tax implications of the different business forms are certainly important, the legal consequences of the different business forms are at the heart of this article. The law recognizes a corporation as separate and apart from its shareholders, even though the shareholders are the sole recipients of all the profits of the business. Again, the share-

"The law recognizes a corporation as separate and apart from its shareholders...translated to practical terms, the shareholder is not the corporation and the corporation acts for itself."

JUDAISM



Says You!

THE OPINIONS OF YOUNG JEWS, JUST LIKE YOU...

WRITTEN BY **LISA DAFTARI**

WE SURVEYED YOUNG JEWS ACROSS THE U.S.:

WHAT DOES BEING JEWISH MEAN TO YOU?

"To me it means that I am part of a culture that believes in G-D. I also think that G-D is watching me and that everything happens for a reason."

-David Sandler, 27 NY, NY

"To me Judaism is my religion, my way of life. Being Jewish means going to synagogue on Saturday mornings and waking up early to go to Hebrew School on Sundays. It means believing in Hashem and being part of a community."

-Diana Daftari, 15 Paramus, NJ

"Being Jewish to me means treating yourself and others with respect and maintaining your religion throughout life."

-Eddie Fox, 26 West Los Angeles, CA

"Being Jewish means preserving what our ancestors have kept for generations and being able to pass that on to our own children."

-Lindsey Cohen, 25 Los Angeles, CA

"Judaism is movies and Chinese on Christmas."

-Ben Reiss 28 Hollywood, CA

"Judaism to me is all about family. Whether it's Shabbat or Passover or Rosh Hashanah, our religion revolves around the concept of family togetherness. It's almost as if our religion was designed to keep the family unit a close-knit one."

-Shawn K. 26 Beverly Hills, CA

"Growing up in the shelter of suburban Long Island, New York, being Jewish was as common as the leaves of our tree covered streets. Back then, being Jewish was a part of the community, the schools, and engrained in the heart of our friendships. However, only upon leaving this comfort did I truly realize what being Jewish means to me. The competition over reading and understanding Torah was quickly replaced with understanding the Jewish history and heritage. I slowly came to realize that Judaism is not just a religion of mandates, but a passing of a mentality as well; a true belief in finding a beautiful balance of celebration and suffering, in the tradition of our immense history. The burden of recollecting what has brought us to our current state of being has made me feel a bond not to only other Jewish peoples, but a distinct sensitivity towards other people's humanitarian rights."

-Daniel Rad, 23 NY, NY

MEDIA



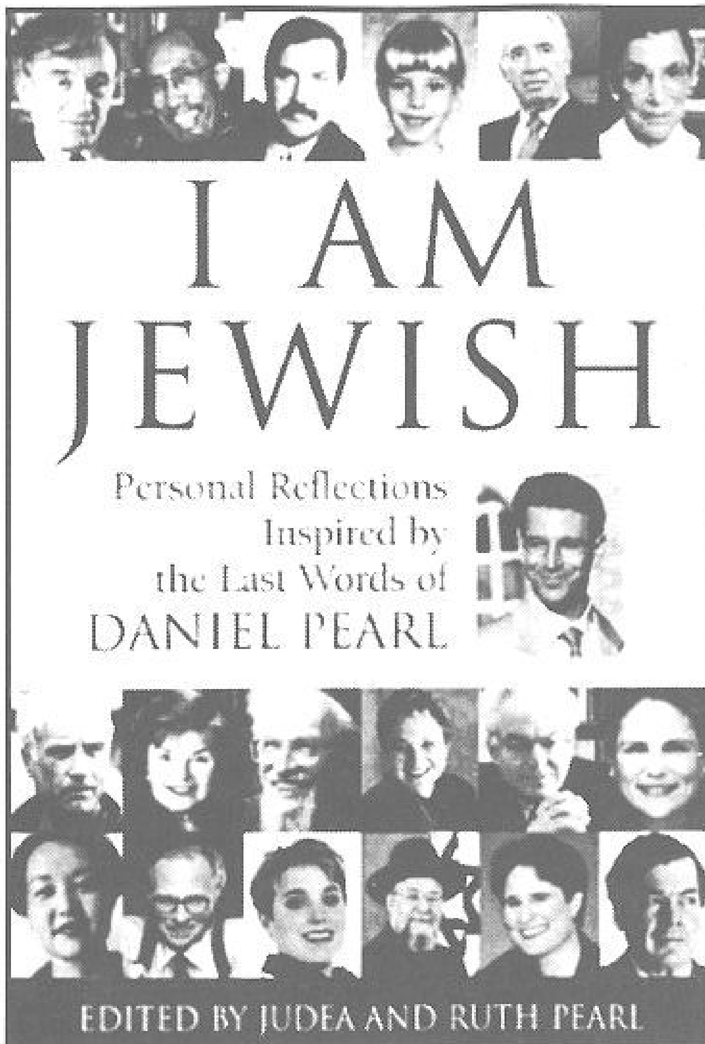
Must See TV?

CHILDHOOD EXPOSURE TO MEDIA VIOLENCE PREDICTS YOUNG ADULT AGGRESSIVE BEHAVIOR, ACCORDING TO A NEW 15-YEAR STUDY

Children who Identify with Aggressive TV Characters and Perceive the Violence to be Realistic are Most at Risk for Later Aggression

Children's viewing of violent TV shows, their identification with aggressive same-sex TV characters, and their perceptions that TV violence is realistic are all linked to later aggression as young adults, for both males and females. That is the conclusion of a 15-year longitudinal study of 329 youth published in the March issue of Developmental Psychology, a journal of the American Psychological Association (APA). These findings hold true for any child from any family, regardless of the child's initial aggression levels, their intellectual capabilities, their social status as measured by their parents' education or occupation, their parents' aggressiveness, or the mother's and father's parenting style.

Psychologists L. Rowell Huesmann, Ph.D., Jessica Moise-Titus, Ph.D., Cheryl-Lynn Podolski, M.A., and Leonard D. Eron, Ph.D., of the University of Michigan undertook the study as a follow-up of a 1977 longitudinal study of 557 children, ages 6 - 10, growing up in the Chicago area. In that study, children identified which violent TV shows they watched most, whether they identified with the aggressive characters and whether they thought the violent situations were realistic. Some examples of shows rated as very violent were Starsky and Hutch, The Six Million Dollar Man and Roadrunner cartoons. The current study re-surveyed 329 of the original boys and girls, now in their early 20s. The participants asked about their favorite TV programs as adults and about their aggressive behaviors. The participants' spouses or friends were also interviewed and were asked to rate the participant's frequency of engaging in aggressive behavior. The researchers also obtained



I highly recommend reading this book. Whether you consider yourself a religious Jew or a Secular Jew, reading the passages of different individuals create a sense of belonging to the Jewish People.

Labor party writes: " Judaism is like a chain of peace and existence that spans space and time, where each individual Jew is a different link."

Natan Sharansky, who spent nine years in Soviet Prisons writes: "Only a person who is connected to his past, to his people, and to his roots can be free, and only a free person has the strength to act for the benefit of the rest of humanity."

Shimon Perez, Israeli's Statesman and Nobel Peace Prize winner of 1994 writes: "I am a son of this people, a nation that is adamant about remembering the past, inspired by its heritage and receptive to changes."

W. Michael Blumenthal the sixty-fourth United States Secretary of Treasury writes: "While still young, I wondered whether my Jewish heritage was only a burden to be borne rather than a privilege and blessing to be acknowledged with pride. Today I know better."

Jackie Mason the great comedian writes: "Everyone knows by now that no one can kill our spirit."

Dennis Prager author and radio personality-writes: " To be a Jew one needs only to be born or raised a Jew. To be Jewish involves a conscious decision to be a Jew and an ongoing commitment to leading a Jewish Life."

I highly recommend reading this book. Whether you consider yourself a religious Jew or a Secular Jew, reading the passages of different individuals create a sense of belonging to the Jewish People. It makes you proud to be Jewish, it gives you a sense of security that somewhere on the other side of the world, there is a county, a homeland that no matter what it is a part of you and you are a part of it.

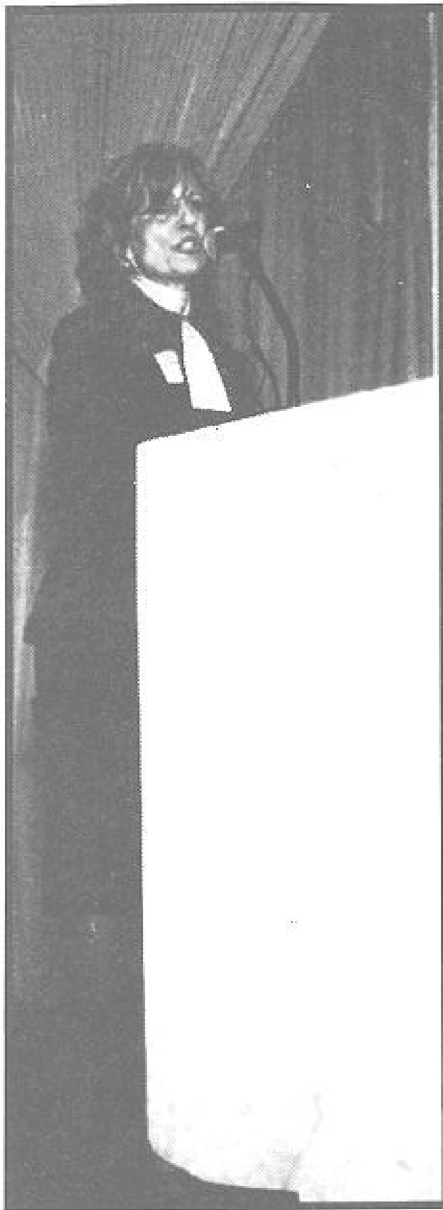
> *"We dream of creating a center that will not only be the house of G-d, but will be our house as well. We dream of creating a temple that we attend not out of obligation, but out of love for our religion and love for G-D.*

We dream of creating a comfortable atmosphere where young members of our community can socialize with one another. We dream of creating a center of learning, a center of creativity, and most importantly a center of societal growth. In the next hour, it is my pleasure to present to you 5 outstanding members of our community, each sharing with you ideas, visions, and ultimately the realization of a dream long awaited."

"From the day I met Manizheh Yomtoubian, it was as if I met 2 people. Although her husband Neria had already passed away, Manizheh carried with her the spirit of her husband. She is always trying to explain to those who didn't know Neria how wonderful he was, how generous he was, how his life ended too soon. I wish I knew Neria, but honestly, through my friendship with Manizheh these past few months, I feel as though I already know him. I know how he came to this country and was always so appreciative of the life he had made for himself. I know how he always wanted to help others, especially children. I know how he stood for justice and human rights. I spent this past Shabbat with Manizheh and at one point, Manizheh said something so touching that I have not been able to get it out of my head since. As we were talking about dealing with pain and trying to understand why bad things happen to good people, Manizheh had tears in her eyes when she told me that even if she had known that Neria was going to pass away at a young age, she still would have married him. Although her time with Neria was limited, it was worth it. Neria put happiness in Manizheh's life that I still see in her eyes today. When she talks about Neria she glows. When she tells me about him she is frustrated that she is not describing him perfectly. Their relationship was a genuine example of true love. Manizheh always tells me, "agar Neria inja bood in ro mi goft" " agar Neria inja bood alan ino migoft" unfortunately Neria is not here, but it is the obligation of each one of us to keep Neria's dreams, hopes, and spirit alive. Even though Neria cannot physically be with us, his dreams will live on. From the time Neria passed away, Manizheh has devoted herself to his cause. The Neria Yomtoubian Foundation has been created to assure that Neria's memory will be preserved. For those of you who know Manizheh, you know that her love for Neria, and her love for this community come from deep within. Through the creation of this center coming together with the Neria Yomtoubian Foundation, I hope that from this moment on, Manizheh will not be the only messenger of Neria's dreams, but that each one of us will carry a part of him as well."



Dr. Shirzad Ebrahidian



Manijeh Pournazarian

who have until now been so dedicated to the existence and daily running of the synagogue. She reassured the guests that this merge will be the most wonderful thing that has happened to this center and will allow the Eretz Cultural Center to achieve many of the goals it has sought to achieve for the past 26 years.

They say a journey of a thousand miles begins with the first step. The next speaker was a very dedicated man who many years ago, in the face of much hardship took that first step. He was a pioneer and fortunately for the Iranian Jewish community, still today, he continues in his quest to build the center. Historically tracking the lives of Iranian Jews living in Southern California after the Revolution, the Eretz Cultural Center has for many years provided a place of worship, celebration, and communal gathering. In his speech, Mr. Dokhanian shared the interesting beginnings of the Eretz Cultural Center that started 26 years ago as the result of the faith and hard work of only a few. He then went on to describe the first time he met Mrs. Manizheh Yomtoubian, not too long ago, who was desperately looking for the perfect way to keep the name of her late husband, Neria Yomtoubian, alive. Upon asking her how she wanted to honor his memory, and through which community outlet, Manizheh simply replied with one word, "youth". From that moment, it was clear to Mr. Dokhanian that he had not only found a way to keep Neria's name alive and put an end to Manizheh's quest, but he had found a way to secure the future of the Eretz Cultural Center as well.

Hand in hand with the focus on our youth, the importance of Zionism was mentioned several times throughout the speeches, but more so than anyone else, by Dr. Shirzad Ebrahimian. He was asked to join the committee solely based on the virtue of his character, particularly his deep and superhuman love for Israel. In the truest most genuine form possible, Dr. Ebrahimian is a Zionist. In his speech, Dr. Ebrahimian reminded family and friends that the idea of Zion, a uniting love for Israel is what in actuality brings us together. Dr. Ebrahimian also continued parts of his speech in English as to emphasize the fact that this center is first and foremost reaching out to the youth in our community. The goal of this project is to include everyone. All services and classes, therefore, will be conducted in English, thereby allowing all members of the family to participate in this center's functions together.

The strong driving force behind this project would not be possible without the support, both financially and emotionally, of Mrs. Manizheh Yomtoubian. Manizheh has donated one million dollars from the Neria Yomtoubian Foundation towards realizing the vision of a new community center. She spoke about her hopes and dreams, and how this new project has given her the strength to continue living, while simultaneously allowing her to share her husband's dreams of helping others, particularly children. Manizheh recounted portions of Neria's life, describing him to be a man grateful for all the things G-d had given him. Never forgetting where he came from, his childhood, or his humble roots, Neria always looked to help the less fortunate, the oppressed, and the voiceless. Through the creation of the Eretz-Siamak Center, Manizheh is now determined and able to fulfill both her dreams and Neria's. While up on stage, her commitment and optimism regarding this

"Unfortunately while many Jews in the U.S. may support gay rights and gay marriages in the U.S., the teachings of traditional Judaism and the Torah do not."



the human race by a man and a woman to cohabitate in order to create new life. Indeed this is indicated at the beginning of Torah with god giving Adam, a woman, Eve to cure his loneliness and allow them to procreate.

Undoubtedly, only the union of a man and a woman can bring about the creation of new life that is viewed by the Torah as a miracle of God.

Jewish scholars and commentators of the Torah over the centuries teach us that sexual relations between a man and woman who are married to one another is a special spiritual occurrence, a beautiful _expression of love designed to create a new life with God's intervention. On the other hand, the union of two men or two women achieves no creation of new life or anything miraculous, except carnal lust that these gay individuals may experience.

Nationally syndicated KABC talk show host Dennis Prager in his November 1996 article "Homosexuality, Judaism, and Gay Rabbis" in the Los Angeles Jewish Journal identified the reasons for Judaism's opposition to homosexuality. In his article, Prager rebutted the argument that the Torah is outdated in condemning homosexuality because while many Jews may not be put to death for committing the sin of not keeping Shabbat or cursing their parents, these actions are still considered sins just as homosexuality is still considered a sin by the Torah.

Likewise Prager stated that evidence that homosexuality is a genetic condition that cannot be changed is very limited. He cited studies where lesbians indicated that their homosexuality was not genetic but due to psychological incidents they encountered. For presenting his views on Judaism's stance against homosexuality, Prager was condemned as a bigot and a homophobe by the Jewish Journal's past editor-in-chief and 16 other Los Angeles rabbis.

Unfortunately while many Jews in the U.S. may support gay rights and gay marriages in the U.S., the teachings of traditional Judaism and the Torah do not. These gay unions serve neither a biological purpose nor any higher spiritual purpose that God commands men and women to achieve by getting married and having children.

Moreover homosexual marriages are not beneficial in adding to the population of the Jewish community at large, especially at a time when our own population is rapidly decreasing due to intermarriage and assimilation in the world. Additionally, we as Jewish parents, as much as we may not like it, set examples for our children through our spoken and non-spoken actions. How can we, in the eyes of our children, ensure the continuity of our people's existence on this earth when we endorse homosexual practices that do not lead to any new Jewish life being created?

Clearly any Jewish support for gay marriages runs contrary to Jewish laws which require every Jewish person to get married with a person of the opposite sex in order to create new Jewish life. While gays and lesbians in the U.S. have a right to be happy, have their own private marriage ceremonies, and do whatever they wish in their own bedrooms, they have no right to force the majority of Judeo-Christian Americans to legally recognize or endorse their behaviors which have long been held to be unacceptable to many of us.

All comments will be published in the next edition of "Chashm Andaaz Magazine".

SOCIETY



Judaism on Gay Marriage

A MARRIAGE BETWEEN ADAM AND EVE OR ADAM AND STEVE?

WRITTEN BY **M.K. STEINBERGER**

With more than 3,000 gay marriages being performed in San Francisco this past February after that city's mayor authorized them, a significant controversy has arisen in America over the legitimacy of homosexual marriages. Likewise similar uproar was brought about when the Massachusetts's State Supreme Court recognized homosexual marriages in early February of this year. Criticism of these moves to validate gay marriage has brought about strong opposition from California Governor Arnold Schwarzenegger who has vowed to uphold the state constitution that defines gay marriage as being between a man and a woman. In addition President Bush has announced his intentions to support a U.S. Constitutional Amendment limiting marriages between a man and a woman, in order to combat any states from legalizing homosexual marriages. Polls of Americans taken by Zogby International in February seem to mirror Bush's strong stance against gay marriages with 51 percent of voters supporting a Constitutional Amendment that recognizes marriages only as a union between a man and a woman.

As the controversy surrounding gay marriages continues in the U.S. many conservative Christian groups have come out in strong opposition against them because of their moral and religious values that look unfavorably upon homosexuality. So what's the view of Judaism and Jewish groups on gay marriages? While the Torah and ancient text have clearly indicated a prohibition against homosexuality, many Reform Jewish congregations in the U.S. have embraced the gay and lesbian community-- even ordaining homosexual rabbis. These Jewish groups have been open to welcoming homosexuals because



reform and stop Iran's nuclear program." With the increased nuclear threat to Israel from Iran, AIPAC's Iranian Jewish members said it was particularly important for Iranian Jews in Southern California and elsewhere to place pressure on their political officials to stop Iran's nuclear proliferation. "Because of the problems with Iran this year which is getting nuclear capabilities that could potentially destroy Israel, we need to get more young Iranian Jews involved in this year's conference," said Tabibian. Several Iranian Jewish members of AIPAC said they were especially keen on helping combat the threat Iran poses to Israel because of the difficult experiences their families encountered during the Iranian revolution in the late 1970's. "25 years ago many of our families where stripped of their possessions and forced out of their home country, a country that has sworn itself to the destruction of the State of Israel," said Chadorchi. "Israel is a link we cannot afford to loose".

Tabibian also said AIPAC's policy conferences in the last few years have particularly sparked wide spread interest among young Iranian Jewish professionals in Southern California with more than 50 young Iranian Jewish professionals from Los Angeles attending the conference last year. AIPAC representatives in Los Angeles said the purpose of the annual Policy Conference is to bring pro-Israel activists together in a show of support for Israel, educate them about certain Middle East issues, and empower activists to have an impact on legislation affecting Israel.

Speakers at AIPAC's policy conference last year included, Secretary of State Colin Powell, National Security Advisor Dr. Condoleezza Rice, Senate Majority Leader Bill Frist, Senate Minority Leader Tom Daschle, House Minority Leader Nancy Pelosi, Speaker of the House Dennis Hastert, and Israeli Foreign Minister Silvan Shalom. "I thought it was a great cause to get involved with and when we got there I was surprised to meet so many people, Jews and non-Jews, who were motivated to help Israel," said Jason Chadorchi, a Brentwood resident. Chadorchi and a variety of conference attendees from Los Angeles said they were particularly impressed with a speech on America's close and strategic friendship with Israel from former Congressman Gary Bauer at last year's policy conference. "His [Gary Bauer] speech and his comments were very powerful and I was so touched that a person who was not even Jewish had such an appreciation for the U.S. and Israel working together in the war on terror," Chadorchi said. Other young professionals who attended last year's AIPAC policy conference said they were particularly impressed with the large turn out at the conference gala dinner. "More than one half of U.S. Senate, over 200 members of the House of Representatives, members of the President's cabinet get together for a gala dinner that is like no other in Washington," said Chris Kantrowitz, a young professional attendee. All of those who had participated in AIPAC's policy conference last year said they felt their activism on behalf of Israel while they were in Washington D.C. made a difference for Israel's current political situation. "If I can get one more person interested in AIPAC or educate more people

SOCIETY



Golda Meir

CHASHM ANDAAZ'S JEWISH HERO OF THE MONTH

This month, in honor of Purim, a holiday that portrays the importance and respect for women throughout our history, we would like to honor a true Zionist, Golda Meir.

When the word "greatness" comes to mind, Golda Meir comes immediately to the forefront. Her commitment to her land and to her people was the paragon of human dedication. Her complete involvement, tempered with love, fired by fierce devotion, caused the world to know that she was a true mover of mountains.

Though born in Kiev, Russia, she moved to Milwaukee, Wisconsin with her family in 1906. In 1915, she joined the Labor Zionist Party. In 1917, she married Morris Meyerson and they moved to Tel Aviv (then Palestine) in 1921. Later they became the proud parents of Sarah and Menachem.

Eighteen years ago today (March 7, 1969), Golda Meir was nominated by the Labor Party to be Prime Minister of Israel. She held this esteemed position until 1974. Before Golda Meir became Prime Minister, she was the Foreign Minister for Israel from 1956 to 1965. During her time as Foreign Minister, she had the opportunity to work with the cooperative agricultural and urban planning programs between Israel and Africa. Golda Meir was very proud of her international, as well as domestic work. After this time she became the Secretary General of the Mapai Party. She was Minister of Labor from 1949 to 1956, a position which was her personal favorite, for she had the time to work with and for the people.

Always concerned with her people, Golda Meir, working with the Labor Movement, attended the Zionist Congress in Geneva in 1939, to help ensure protection of European Jews. She was greatly saddened to discover that many Europeans were not as caring as she thought they might be. In 1948, she was part of the People's Council signing the vital proclamation establishing the State of Israel.

One of the hardest days in the life of Golda Meir was October 6, 1973 - the beginning of the Yom Kippur War. It was a great tragedy for Golda Meir. In June, 1974, Golda Meir retired from political life.

Dates and positions do not begin to explain the lasting positive influence of Golda Meir. She is still deeply loved today by her people and by millions more throughout the world. Her dedication to her country and her personal concern for all people are legendary. Whatever Golda Meir did, she did for the people.

If Greatness is given a name, it surely is Golda Meir.



סיני



שומר شבת — שומר שבת

شومر شبات

کیترینگ گلت کاشر سینای



به مدیریت دانیل جوانفرد

زیر نظر RCC و ربانوت محترم ایرانی و آمریکائی

ساینای کیترینگ ارائه دهنده لذیذترین و خوشمزه‌ترین غذاهای گلت کاشر

پذیرائی از جشنهای عروسی - نامزدی - برمیتصوا - بت میتصوا
کنفرانسها در منازل و سالنهای متنوع و مجلل با بهترین کیفیت

قبل از برگزاری هرگونه جشن و میهمانی با ما مشورت کنید

SINAI GLATT CATERING

CATERING FOR ALL OCCASIONS

Persian, Middle Eastern, Eroupian & American Food

(310) 820-0048

Pager: (213) 390-3566

12233 Santa Monica Blvd., W. Los Angeles, CA 90025



סיני

